

شماره ۲۲

نیلگون

ویژه‌نامه ورودی‌های ۹۳
دانشکده مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات



mirZa_TaGhi_kHan_aMmmir_kabiiiiR

🕒 10m

📍 جلو سردر مادر دانشگاه‌های صنعتی کشور



❤️ 9331000 likes

mirZa_TaGhi_kHan_aMmmir_kabiiiiR selfi ma va #asemane #nilgoon be hamrahe @3panta, @assgar, @sakin_e, @kobra93, @azita65, @pej_man o digar yavaran no zohore #unikade :D sali sarshar az elmo marefato eysho eshrat baraye ishan masa'lat darim ;)

view all 21,434 comments

abbol_maali cool! :D

agha_yaghoob mirza selfie nakhastim bia poole bastanito bede ! :P

khaje_shiraz dastat andar saede saghie simin sagh bad ;)

۱۲	زندگی خوابگاهی.....	۲	حس خوب شروع.....
۱۴	ترکیب ۱۱ نفره‌ی پیشنهادی من برای ورودی‌های جدید.	۴	پیام ریاست دانشکده.....
۱۵	جایی برای خاطره بازی.....	۴	پیام معاونت آموزشی دانشکده.....
۱۷	یک سال پیش.....	۵	من، «جوگیر» ۱۸ سال دارم.....
۱۷	دانشگاه، قایقی دیگر.....	۶	ادب از که آموختی؟ از بی‌ادبان!.....
۱۸	شروع.....	۷	سلامی از یک غریبه!.....
۱۹	اشتباهات رایج دانشجویی (نظرگاه یک استاد).....	۸	همون همیشگی... (راهنمای کافه‌های دور و بر دانشگاه).....
۲۱	آنچه سال‌بالایی‌ها دیده‌اند.....	۱۰	سلام.....
		۱۱	باز آمد بوی مهر بوی ماه مدرسه.....

صاحب امتیاز: شورای صنفی دانشکده‌ی مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات

مدیر مسئول: سید محمدعلی قریشی

سردبیر: آرمین باشی‌زاده

طرح جلد: علی طباطبایی، سپهر صبور

همکاران این شماره:

سلیم ملکوتی

محمدعلی جنت‌خواه‌دوست

سارا کریمی

ماکان طیبی غلام‌زاده

مسعود وفابخش

بهداد بخشی‌ناطق

امید فکورفر

کیوان ساسانی

سینا شیخ‌الاسلامی

سید عطا مظلومیان

صادق چرمچی

سپهر صبور

فاطمه اسلامی

نیکا زاهدی

محمد تکبیری

با تشکر ویژه از آقای علی طباطبایی برای طراحی سلفی میرزا تقی‌خان!!

بچه‌های ۹۳ ای!!

پویش نشریه‌ای برای همه‌ی دانشجویهای دانشکده از جمله شماست. اگه دوست دارین که با ما همکاری کنین یه سر به اتاق شورا بزنین.

حس خوب شروع

سید محمدعلی قریشی، ورودی ۹۰



این موقع از سال که می‌شه وقتی صحبت از اومدن ورودی‌های جدید راه می‌افته همه‌ی ماها حس خوبی داریم. یاد خاطرات خودمون می‌افتیم، یاد حس خوب شروع می‌افتیم و توی این تابستون گرم خاطراتمون خنک می‌شه.

بذارید همین اول یه قولی بهتون بدم. بهتون قول می‌دم تابستون بعدی همه‌تون آرزو می‌کنید که تعطیلات زودتر تموم بشه و دوباره بیاید کنار نهال خرمالو. می‌گید نه؟! یه سال صبر کنید.

کلام

معمولا در این مواقع مرسومه بهتون تبریک بگیم پس اول اینکه خیلی خوشحالیم که یه گروه دیگه به دوستانمون اضافه می‌شه. هر کدوم از ما به عنوان دوست خیلی حرفا داریم که براتون بزنیم، اول هم تصمیم داشتیم بشینیم یکم نصیحت‌وار باهاتون صحبت کنیم. که تویی که تازه اومدی این کارا رو بکن و این کارا رو نکن. ولی واقعیتش منصرف شدیم و دلیلش هم اینه که برای خودمون دانشگاه مهم‌تر از هر چیزی یه جای خیلی خوب برای تجربه کردن بوده، پس به نظر شاید بهتر باشه این اول کاری شماها رو خیلی سردرگم نکنیم. بذاریم یکم وارد محیط بشید یکم خودتون حسش بکنید، همه‌ی اینا دستتون میاد و البته اینکه ماها هم هستیم که اگر دوست داشتید می‌تونیم تجربه‌هایی که داریم رو براتون تعریف کنیم.

ساکنان اتاقک شورا

هر جمع یا جامعه‌ی متمدنی از انسان‌ها یه سری حقوق دارن و برای پیگیری و رسیدگی به این حقوقشون یه سری گروه‌هایی تشکیل می‌دن. خانواده‌ی دانشگاهی (من خیلی این لفظ خانواده رو دوست دارم امیدوارم برای شما هم همین طور باشه) هم که شما اعضای جدیدش هستید یه جور جامعه‌ی متمدنه، که اعضااش حقوقی دارن. شورای صنفی جاییه که دنبال رسیدگی به یه سری از این حقوق دانشجویهاست. اعضای این گروه هر سال با رای مستقیم

خود دانشجویها انتخاب و یه سری مسئولیت رو عهده‌دار می‌شن.

هیچ وقت خاطراتی که با بچه‌ها توی اجرای هر مراسمی بوده رو فراموش نمی‌کنیم. هیچ وقت ارزش تلاش‌های بچه‌هایی که تا دیروقت می‌موندن رو فراموش نمی‌کنیم. خسته می‌شیم اما خوشحالیم، شکست می‌خوریم اما ناامید نمی‌شیم و به خودمون افتخار می‌کنیم. یاد می‌گیریم که هر جامعه‌ای برای اینکه بتونه پیشرفت کنه نیاز به تلاش و شادابی داره. یاد می‌گیریم که توی کار هیچ چیزی مهم‌تر از افرادی که کنارتن نیست. یاد می‌گیریم هم‌دیگه رو دوست داشته باشیم.

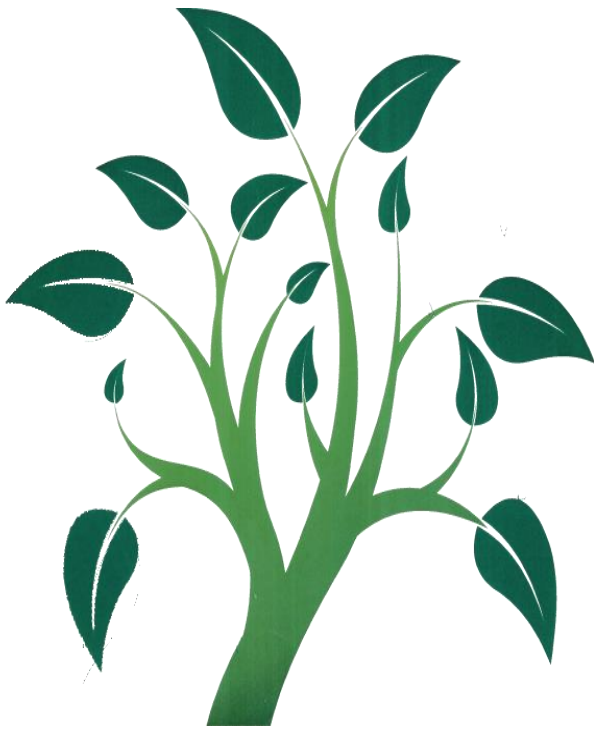
اعضای این گروهی که بهتون گفتم پنج دسته فعالیت‌های اصلی دارن که توی شکل کمیته‌ها ظاهر می‌شه. کمیته‌های صنفی و رفاهی، ورزشی، مالی و روابط عمومی، ارتباط با صنعت و کمیته‌ی آموزش، قسمت‌های اصلی هستن. جدا از کلمات گنگ و نامفهومی مثل صنف، کمیته و... به طور ساده شورا دو دسته‌ی اصلی فعالیت داره: دسته‌ی اول فعالیت‌هایی تو زمینه‌ی پیگیری حقوق دانشجویها مثل مسائل خوابگاه‌ها و چیزهای آموزشی شبیه اتفاقات مربوط به انتخاب واحد و از این دست فعالیت‌ها.

اما دسته‌ی دیگر

هیچ خانواده‌ای بدون فضای صمیمی، بدون علاقه بین افراد خانواده نمی‌تونه جای مطلوبی برای زندگی کردن باشه. دسته‌ی دیگه‌ی فعالیت‌ها برای ایجاد این روح شاداب توی خانواده‌ست. کارایی مثل برگزاری اردوهای دسته جمعی (که البته یه مدتی بود به خاطر بعضی سخت‌گیری‌های گذشته شکل دیگه‌ای گرفته بود ولی امیدواریم با تغییر فضای کلی به شکل سابقش برگرده)، جشن‌هایی که توی سال برگزار می‌شه، مراسم خیریه و خیلی فعالیت‌های دیگه تو این راستا.

دوست داریم اینو احساس کنید که یه سری افراد هستن که شما برایشون خیلی مهمید و حاضرین برای مشکلاتتون تلاش کنن. پس اگه مشکلی داشتید یا کمکی می‌خواستید یا حتی برای آشنایی یا دوستی، می‌تونید همیشه سری به اتاق شورا یا انجمن بزنید و مطمئن باشید کسانی هستن که حداقل برای حل شدن مشکلاتتون تلاش کنن. توی طبقه همکف دانشکده، کنار پله‌ها توی اون اتاق کوچیک منتظر دوستای جدیدمون هستیم.

این مسیر رو تصور کنید: از در دانشکده میاید بیرون چند قدم برمی‌دارید و از زیر تابلوی سردر دانشکده رد می‌شید، سمت چپ یه باغچه‌ی نسبتاً کوچک رو می‌بینید. وسط این باغچه، تو جایی که به شعاع حدوداً سی سانت گل‌کاری شده یه موجود در حال رشد می‌بینید. این نهال خرمالو روح دانشکده است. نهالی که سن کمی داره و تنه‌ش خیلی نحیفه، اما شکوفه‌های روی اون به آدم امید میده. امید به فردایی که به بار می‌شیند. این نهال به مناسبت بیست و پنج سالگی دانشکده با دست دانشجوها و استادان کاشته شد. شاید یه جورایی این نهال با زندگی ما گره خورده باشه، نهالی که وقتی کاشته شد یه سری‌ها می‌گفتن این چوب خشک چیه که می‌کارید اما ما توی دلمون می‌دونستیم وقتی بهار بیاد شکوفه‌هاش باعث امیدمون می‌شن.



حالا شما هم وارد خانواده شدید و توی روح درخت سهیم هستید. کم‌کم فرصت ما برای نگهداری از این روح داره تموم می‌شه و مسئولیت شما داره شروع می‌شه. درسته ما شاید تا چند وقت دیگه اینجا کنار هم نباشیم ولی سهممون رو توی این روح از دست نمی‌دیم پس انتظار داریم از قسمت دوست‌داشتنی وجودمون خوب نگهداری بشه. هرکجای این سرزمین پهناور دنیا که باشیم هنوز تیکه‌ای از این روح رو همراهمون داریم. تیکه‌ای پر از خاطرات تلاش، شکست، دوباره بلند شدن، تلاش، تلاش، تلاش، موفقیت و غرور.

به ورودی‌های جدید بگین:

احترام به هم، احترام به اساتید، جدی گرفتن مبانی و برنامه‌سازی پیشرفته، تجربه‌ی کارآموزی واقعی، استفاده از منابع عظیم کورس‌های آنلاین و تترسیدن از انجام پروژه‌های بزرگ.

شورا، انجمن، شورا، انجمن، شورا، انجمن

امید فکورفر، ورودی ۸۹

پیام ریاست دانشکده

دکتر محمد رحمتی



دانشجویان ورودی ۱۳۹۳، موفقیت شما را در آزمون سراسری ۱۳۹۳ و ورود شما را به دانشگاه صنعتی امیرکبیر تبریک می‌گوییم. این موفقیت مرهون تلاش و همت عالی شما بوده است. ما در دانشکده‌ی مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات این موفقیت را ارج می‌نهیم و برای شما از درگاه خداوند متعال آرزوی سلامتی و موفقیت در دستیابی به درجات عالی‌تر را داریم. شما برای دستیابی به این مهم زحمات زیادی متحمل شده‌اید و مطمئناً برای رسیدن به اهداف والاتر زحمات بیشتر دیگری را باید انتظار داشته باشید. ضمن خوش آمدگویی مجدد به چند توصیه توجه بفرمائید:

یادگیری کارآمد

رمز موفقیت در هر کاری داشتن علاقه، شور و اشتیاق در انجام آن کار است. در نظر داشته باشیم که هر کلاس درسی دارای اهمیت مربوط به خودش است. یادگیری در کلاس‌ها را همراه با علاقه و تلاش مستمر به نحو احسن فرا گیرید. یادگیری اگر همراه با لذت باشد نتیجه‌ی آن حتماً تفاوت خواهد کرد. در این دانشکده دروس پایه در برنامه‌نویسی از اهمیت زیادی برخوردار است. یادگیری این دروس به طور مطلوب رمز موفقیت شما در ادامه‌ی راه خواهد بود.

رجوع به مراجع

در کنار استفاده از جزوات درسی، استفاده از کتاب و سایر مراجع فراموش نشود.

حذف موانع در مسیر یادگیری

دوره‌ی کارشناسی از اهمیت زیادی برخوردار است و باید از هر مانعی، علی‌الخصوص کار کردن حین درس، که خدشه به رسیدن اهداف عالی‌تر وارد می‌کند، پرهیز کرد.

پیام معاونت آموزشی دانشکده

دکتر مهران سلیمان فلاح



۱. درس‌های ارائه‌شده در ترم یکم در نگاه اول درس‌های ساده‌ای هستند که دانشجویان برای مطالعه‌ی جدی احساس نمی‌کنند. عناوین مباحث این درس‌ها مشابه درس‌هایی است که دانشجویان در دبیرستان داشته‌اند. این موضوع باعث می‌شود که دانشجویان درس‌ها را به طور جدی و با برنامه‌ریزی دقیق مطالعه نکنند و در نهایت مشکلاتی در گذراندن درس‌ها داشته باشند. بنابراین، توصیه می‌شود که از همان ابتدای ترم اقدام به برنامه‌ریزی و مطالعه نمایید.

۲. در مطالعه‌ی درس‌ها صرفاً به جزوهای درسی اکتفا نکنید و ضمن ایجاد گروه‌های دانشجویی برای بحث و تحلیل مسائل به مطالعه‌ی منابع اصلی بپردازید. حل مسائل دشوارتر ضمن تقویت بنیه‌ی تفکر و تحلیل، کمک بزرگی به موفقیت در گذراندن درس‌ها می‌کند.

۳. هرگونه مشکل آموزشی خود را در کوتاه‌ترین زمان ممکن با مشاور خود در میان بگذارید.

۴. در کلاس‌های درس با انرژی و اشتیاق حضور داشته باشید و هرگز کلاس‌ها را از دست ندهید و تمرین‌های کلاسی را با صرف زمان مناسب حل کنید.

به ورودی‌های جدید بگین:

دارید وارد شیرین‌ترین دوران زندگی‌تون می‌شید. قدر این دوران رو بدونید...

دکتر امیرحسین پی‌براه، ورودی ۷۵

سارا کریمی، ورودی ۸۸



تغییر. چیزی که همه دارند راجع بهش باهاتون صحبت می‌کنند و سعی دارند بگن که چه قدر تغییر بزرگی رخ داده برای شما. خودتون هم این رو حس می‌کنید و سعی دارید مطابق با فانتزی‌های خودتون تحت عنوان «دانشجو» رفتار کنید و خودتون رو نشون بدید. اما عموماً وقتی آدم در محیط جدید، تحت عنوانی جدید، قرار می‌گیره (در اینجا دانشگاه و تحت نام دانشجو) پدیده‌ی رایجی که اتفاق می‌افته جوگیری هست. بگذارید با دادن یک تصویر از بالا به شما منظورم رو بگم. به محض اینکه آدم دیگه سال‌اولی نیست، با اومدن ورودی‌های جدید و دیدن رفتارها و برخوردهاشون با خودش فکر می‌کنه «اینا چرا این طوری‌اند؟! ما اصلاً این طوری نبودیم! این‌ها خیلی بچه‌اند! خیلی رفتارهای سبکی دارند! خیلی جوگیرند» (این‌ها رو راجع بهتون می‌گن، شما هم سال دیگه راجع به ورودی‌های جدید می‌گید، پس غصه نخورید!) با زدن این مثال می‌خواستم این رو بگم که گاهی صرفاً برای متفاوت به نظر رسیدن و پذیرفته شدن در جمع رفتارهایی از خودمون نشون می‌دیم که زیادی و اغراق شده‌اند.

همان طور که از اسمش معلوم هست جوگیری دو جنبه داره: یکی وجود «جو» و دومی «گرفتن» اون جو. مورد اول که جو یا همون فضا باشه زمینه‌ی ابتدایی و اولیه برای جوگیری رو فراهم می‌کنه. پس ساده‌ترین کار برای مقابله با جوگیری، جلوگیری از قرار دادن خودمون در برخی از فضاها و جوهاست. آدم‌های اطرافمون به هر دلیل و خواسته یا ناخواسته می‌توانند ایجادکننده‌ی جوی باشند که رفتار ما رو تحت تاثیر قرار بده. برای مثال یک نمونه از این دسته آدم‌ها در دانشکده، گروهی از سال‌بالایی‌های شما هستند که وقتی باهاتون صحبت می‌کنید می‌خوان روشی که خودتون در پیش گرفته بودید رو به عنوان یه روش عمومی و غالب به شما عرضه کنند. مثلاً ممکنه به شما بگن که درس‌های سرویس فقط برای پاس شدن هست و از مجموعه خاطرات خودتون و دوستانتون در افتادن‌های پیاپی توی درس‌های ریاضی و فیزیک و رکوردزنی‌هاشون در این مورد داستان‌های حماسی با ژستی قهرمانانه تعریف کنند. اما این نکته

یادتون باشه که همیشه این طوری نیست! این «جو» دانشکده‌ی ماست که این دوستان سعی در نگه داشتن اون دارند (به دلیل کم کردن فشار از روی خودتون یا هر دلیل دیگه‌ای!). شما مثلاً اگه یه سر به دانشکده‌های دیگه بزنید می‌بینید که نه تنها افتادن در این درس‌ها اونجا مُد نیست، بلکه بچه‌ها به راحتی با این درس‌ها در ترم‌های اول معدل خودتون رو می‌سازند.

این تنها یک مثال از معاشرت با یک دسته از سال‌بالایی‌ها بود. در معاشرت با هم‌ورودی‌های خودتون هم باید این مراقبت از «جو»ی که درش قرار می‌گیرید رو داشته باشید. اینکه اون‌ها چه آدم‌هایی هستند و سعی دارند چه «جو»ی رو به صورت غالب در بیاورند. آیا اون «جو» چیزی هست که شما بخواید درش باشید یا نه؟

دومین فاکتور که همان «گرفتن» جو باشه خودش معلول یک پدیده‌ی دیگه‌ی هست. برای این که فکر نکنید این واژه‌ی «جوگیری» خیلی عامیانه و بی‌پایه است با تعریف یک اصطلاح فرنگی حرفم رو مزین به مفاهیم سطح بالاتری می‌کنم. مفهومی وجود داره به نام «فشار همتایان» یا به انگلیسی Peer Pressure که به طور دقیق این گونه تعریف می‌شه: «فشار همتا به تاثیراتی که توسط یک گروه همتا در جهت تشویق فردی به تغییر رفتارها، ارزش‌ها و یا اخلاق، جهت هم‌گامی با گروه اعمال می‌شود اطلاق می‌گردد. فشار همتای جوانان بر همدیگر معمولاً شناخته‌شده‌ترین نوع این فشار است که اکثراً به عنوان یک فشار همتای منفی شناخته می‌شود. زیرا که جوانان اغلب زمان زیادی را در گروه‌های ثابتی مانند مدرسه یا گروه‌های همتا می‌گذرانند، در حالی که ممکن است نظرات متفاوتی با خود گروه داشته باشند.» (برگرفته از ویکی‌پدیا) همون طور که مشاهده کردید آدم به دلیل این که بخواد مثل بقیه باشد تا در محیط دوستان و اطرافیانش پذیرفته بشود، حاضر می‌شود که در رفتارها، اخلاق و در یک‌کلام خودش تغییر ایجاد کند، هر چند که به آن تغییرات نه تمایلی داشته باشد و نه اعتقادی و نه قصدی قبلی برای انجامشون.

همون طور که از تعریف برمیاد، جوگیری لزوماً بد نیست. مطمئناً در صفحات قبلی و یا بعدی راجع به فعالیت‌های دانشکده در زمینه‌های مختلف خوندید، سعی کنید خودتون رو در اون «جو» و فضا قرار بدید. از تاثیری که اطرافیان و دوستان شما روتون دارند هرگز هرگز

غافل نشید، پس اون‌ها رو با دقت و بدون رودربایستی با خودتون و دیگران انتخاب کنید و فیلترهای خوبی براشون تعبیه کنید تا خروجی خوب و قابل قبولی ازشون بیرون بیاد. چون کسی که باهش دوست می‌شید، همون خود شماست در آینده‌ای نه چندان دور.

تغییر نه تنها لازم، بلکه خوب و مفید هم هست. فقط باید دید چه تغییراتی حاصل به‌دست آوردن نگاهی عمیق‌تر، دیدی بازتر و آگاهی بیشتر است و چه تغییراتی از روی فشار بیرونی و میلی درونی برای پذیرفته شدن در جمع تازه ایجاد شده. شما چه بخواید چه نخواید، چه به این مساله فکر بکنید و چه نکنید، ۴ سال دیگه آدم بسیار متفاوتی نسبت به الآن خود هستید. مواظب خودتون در این مسیر باشید و تغییرات خودتون رو رصد کنید تا بتونید کنترل‌شون کنید و اون‌ها رو در جهتی که خودتون می‌خواید هدایت کنید.

به این سبک زندگی تازه، این تغییر بزرگ و هیجان‌انگیز خوش اومدید و سفر خوشی رو براتون در مسیر رسیدن به اون «من» تازه در این ۴ سال آرزو می‌کنم.

به ورودی‌های جدید بگین:

اومدید امیرکبیر تا درس بخونید. مطمئن باشید اگه معدلتون بیاد پایین ۱۵ دیر یا زود پشیمون می‌شید که چرا درس نخوندید. ممکنه این زمان ۱۲ سال دیگه باشه ولی مطمئن باشید پشیمون می‌شید.
حسین شیرعلی، ورودی ۸۲

ادب از که آموختی؟ از بی‌ادبان!

مسعود وفابخش، ورودی ۸۸

اول از همه ورودتون رو به پلی‌تکنیک تبریک می‌گم و امیدوارم سال‌های خوبی رو توی این دانشکده داشته باشید. می‌دونم که بعد از یک سال سخت و طاقت‌فرسا وارد این تابستون شدید و تا اومدید به خودتون بجنبید و خوشحال از نتایج کنکور باشید، دانشگاه شروع شد. از همین الان یک زنگ خطری رو براتون به صدا دربیارم؛ اونم این‌که ممکنه از خلیا توی سال کنکور شنیده باشید که: «این یک سال رو درس بخون، بعدش که رفتی یه دانشگاه خوب، برو سراغ استراحت و تفریح.» قطعاً بدونید این بدترین مشاوره‌ای هست که تا حالا بهتون داده شده. اگر بخواید طبق اون



عمل کنید، از همین اول تو دانشگاه لنگ می‌زنید و از قدیم هم گفتن: «خشت اول چون نهد معمار کج، تا ثریا می‌رود دیوار کج.» پس از همین اول کار، دانشگاه و درس رو جدی بگیرید مخصوصاً دروس عمومی که بیشتر کم‌شدن معدل‌ها، تقصیر اوناست! اگر فکر می‌کنید من که دارم این حرف‌ها رو براتون می‌زنم خودم به بهترین شکل ممکن این چیزها رو رعایت کردم، باید بگم که سخت در اشتباهید و بهتون می‌گم که دوباره یک نگاهی به تیتیر مطلب بندازید!!

البته من نمی‌گم که سراغ تفریح و استراحت نباید رفت بلکه مطمئنم شما می‌تونید تعادل رو بین این دو برقرار کنید و اگر از همین اول تونید همچین کاری رو بکنید، هر چی که بگذره انجام این کار سخت‌تر می‌شه.

خب از درس خوندن که بگذریم می‌رسیم به کارهای فوق برنامه توی دانشگاه که بهترین جا برای انجام همچین کارهایی شورای منفی و انجمن علمی هستند که می‌تونید به بهترین شکل ممکن کارهای فوق برنامه رو انجام بدید. البته از کانون‌های فرهنگی هم غافل نشید!

مطلب دیگه این‌که دانشکده کامپیوتر از سال‌های دور به جو صمیمی بین دانشجویهاش توی دانشگاه معروف بوده و یکی از عوامل این جو صمیمی، سایت دانشکده هست که خودتون قطعاً باهش در چند هفته‌ی اول آشنا خواهید شد. توصیه من به شما این هست که مراقب این فضایی که در اختیار شما قرار داده شده باشید تا لطمه‌ای بهش وارد نشه و قوانین اون رو رعایت کنید تا شما هم بتونید از این فضای صمیمی و جو مثبتی که داره نهایت استفاده رو ببرید.

به ورودی‌های جدید بگین:

به قول یه بنده خدایی بدونین زندگی از بعد فارغ‌التحصیلی شروع نمی‌شه. بهتره که تا آخر ترم ۳ و ۴ بدونین به چه مباحثی علاقه دارین و می‌خواین برین یا بمونین. به نظرم کسی که مسیرش مشخص باشه و هر چه زودتر رو یه مبحثی عمیق بشه آینده‌ی علمی و حتی مالی بهتری خواهد داشت. بر هر دانشجویی که می‌ماند startup زدن واجبه چون کشور خیلی بهش نیاز داره.

فرزان رواقی نوبخت، ورودی ۹۱

سلامی از یک غریبه!

امید فکورفر، ورودی ۸۹

سلام،



۱ - احتمالاً اکثر جملاتی که در ادامه میارم، با فعل امر خواهد بود. شاید اصلاً اکثر افعال این مجله‌ای که دستتونه امری باشه. ولی این جمله‌ها، نشونه تحکم و خودبزرگبینی نویسنده هاش نیست. صرفاً انتقال تجربیاتی هست که بیانشون در قالب کلمات، بسیار دشواره. پیشاپیش شرمندگی همی شما عزیزان!

۲- سلام کردن و خوش آمد گفتن به ورودی جدیدها سخته. معرفی کردن محیط جدید بهشون، طوری که اون تصور احتمالاً ایده‌آلی که از دانشکده داشتن به هم نخوره، سخته‌تر. فاصله گرفتن از جملات شعاری و نصیحت های پدربزرگانه(!)، غیرممکن! ولی این «سلام کردن»ها باید باشن، «شروع دوستی‌ها» باید از همون روز اول باشه. ما سالی وارد دانشگاه شدیم که کسی نبود یا در واقع کسی اجازه نداشت بهمون سلام کنه. این فرصتی که از پارسال دوباره به وجود اومده رو قدر بدونید.

۳- قدر اون دانشکده‌ی کوچولو و قدیمی‌مون که از دور شبیه قوطی کبریت می‌مونه رو بدونین. ساختمونش قشنگ نیست. سقفاش چکه می‌کنن. گاهی اوقات شاید تنفس هم توش سخت باشه. ولی قدم‌به‌قدمش و لحظه‌به‌لحظه‌ش خاطره ساخته و خواهد ساخت. از زیرزمین و آزمایشگاه‌های سخت‌افزار و کلاس ۱۰۰اش، تا همکف، اتاق شورا و انجمنی که جمع‌های دانشجویی چندنفره‌ای، غیرممکن‌ها رو ممکن کردن، و سایت دانشکده با تمام ماجراهای خاص خودش. تک‌تک پله‌هایی که به خاطر اختلاف طبقاتی و غیرمجاز بودن استفاده از آسانسور، مجبور به طی کردنشون بودیم تا نفس‌نفس‌زنان برسیم به طبقه اساتید، در اتاق‌ها رو بزیم، با در بسته مواجه شیم یا جملات اولمون بخاطر کمبود نفس نامفهوم بشن! یه دانشکده‌ی خوشگل و شیک هیچوقت اینقدر خاطره نمی‌ساخت!

۴- دانشگاهمون هم مثل دانشکده‌مون کوچولوئه. ۴ تا خیابون، با قدرت از ۴ طرف محاصره‌ش کردن و هیچ وقت از این وسیع‌تر نخواهد شد. اما قانون دانشکده، برای

دانشگاهمون هم برقراره. هرچی کوچیک‌تر و کم‌رنگ‌ور و تر، پرخاطره‌تر. پلی‌تکنیک برای خودش فرهنگ داره، سبک زندگی داره، سختی‌های خاص خودش رو داره. خودتون رو وارد دنیای پلی‌تکنیک کنید و از لذت ببرید. تاریخ پرفراز و نشیبش رو بخونید و بدونید که این محیط، مسئولیت هم میاره.

۵- تنوع عقاید، طرز فکرها و ایده‌ها توی محیط دانشگاه و به خصوص در پلی‌تکنیک، کم‌نظیره. پنجره‌ی ذهنتون رو به طرز فکرهای جدید نبندید. ولی همیشه با فکر و حواس جمع تصمیم بگیرید. قدرت تحمل، قدرت شنیدن نظرات متفاوت رو بالا ببرید و دوستی‌ها رو با وجود همه‌ی تنوع های معقول، حفظ کنید.

۶- دانشگاه قرار نیست فقط به شما توانایی کد زدن و تحلیل مسئله و مهندسی یاد بده. امروز، شروع آینده‌ی زندگی شماست. یه مهندس بدون قدرت مذاکره، بدون قدرت شنیدن نظرات مخالف، بدون ایجاد شبکه‌ی ارتباطی قوی، بدون آشنایی با سختی‌های کارهای اداری، به «هیچ» دردی نمی‌خوره. هیچ وقت از درس غافل نشید، ولی هیچوقت غرق درس هم نشید.

۷- فضای دانشگاه در حدود ۱۰ سال گذشته یک طرف، و فضای احتمالی اون از امسال که شما واردش شدید به بعد، یک طرف دیگه! می‌خوام این رو بدونید که خیلی از ورودی‌های ۸۴ تا ۹۲ دانشگاه، آرزو داشتن که توی سالی مثل ۹۳ وارد دانشگاه بشن. دلایلس رو از دوستانم بپرسید.

۸- چقدر مسخره کردیم اون سال بالایی‌هایی رو که می‌گفتن «خاطرات دوران کارشناسی هیچ وقت تکرار نمی‌شن»... با خودمون می‌گفتیم مگه این همه گرفتاری و درس و پروژه و دنبال مجوز رفتن‌ها و... دلتنگی داره؟! ولی واقعاً می‌خوام از نزدیک‌ترین فاصله‌ی زمانی ممکن نسبت به اون دوران، و از دورترین فاصله‌ی جغرافیایی از اونجا، بگم که «خاطرات دوران کارشناسی هیچ وقت تکرار نمی‌شن».

والسلام...

به ورودی‌های جدید بگین:

در انتخاب الگوها تون خیلی دقت کنید. همین.

سعید حجتی، ورودی ۸۸



بهداد بخشی، ورودی ۱۱ [او آرمین باشی‌زاده، ورودی ۹۰]

اول از همه یادتون باشه که زیادی خاطره نسازید. چه خوبش، چه بدش. از یه حدی که خاطراتت بیشتر بشه بد جوری به دردسر می‌افتی. مخصوصا اگه تو فکر سفری، بهتره که بارتون رو سبک نگه دارید. در هر صورت از من گفتن بود. ۴ سال دیگه نشی مثل من که صرفا با اسم این کافه‌ها ۳ ساعت می‌رم تو فکر. باری، خود دانید. [ضمنا جای این کافه‌ها رو می‌تونید روی نقشه‌ی وسط ببینید.]

۱- کافه سارا: سارا جاییه که چون نزدیکه اولاش زیاد می‌رفتیم اونجا. کافه‌ی خوشگلیه ولی یه کوچیک گرونه. تا قبل از ساعت ۴ سیگار کشیدن توش ممنوعه. در آخر اینکه نزدیک بودنش، هم خوبه هم بد. خلاصه آدم یه وقتایی دلش می‌خواد تنها باشه. حتما یه سر برید اونجا ولی پیشنهاد می‌کنم موندگار نشید. جاهای خوب این دور و بر کم نیست. (پیشنهاد من: پاستا سوسیسی اگه هنوز داشته باشه، چون خیلی وقته نرفتم اونجا)

۲- کافه آوانسن: آوانسن از اون جاهایی بود که خیلی می‌رفتم چون خیلی فضای دوستانه‌ای داره. کافه‌ی تاریکیه اگه با کم بودن نور مشکل دارین پیشنهاد نمی‌شه. قیمت‌هاش نسبت به اکثر جاهای دور و بر بهتره، میشه گفت متوسط رو به پایین. یه چیز دیگه اینکه آهنگاش عموما خوبه ولی بعضی وقت‌ها هم زیادی تند و شلوغ می‌شه. (پیشنهاد من: ژامبون تنوری)، راستی داشت یادم می‌رفت، تو ساعت‌های شلوغ پر از دوده [یه پُر می‌گه، یه پُر می‌شنوین! چشم آدم می‌سوزه!]، اگه با دود سیگار مشکل دارید، پیشنهاد نمی‌شه.

۳- کافه آن: کافه‌ی خوشگلیه و یه چیز خوبش اینه که یه سری میل برا جمع‌های بالای ۶ ۷ نفر داره ولی مثل آوانسن اینجا هم دود سیگار کم نیست [اینجا کمتره، حداقل چشم آدم درنمیاد!] (البته این مسئله فقط مربوط به ساعت شلوغیه‌ها!). قیمت‌هاش متوسط رو به بالاس ولی باز هم باید تکرار کنم که کافه‌ی خوشگلیه. دیگه اینکه جایی نیست که بشه طولانی مدت نشست. [پیشنهاد من: چیپس و پنیر یه نفره که واسه دو نفر کافیه، چیزکیک نیویورکیش هم خیلی عالی!]

۴- کافه ایستگاه: ایستگاه توی پاساژ نور تهرانه که هم یه سری صندلی داخل کافه داره هم چندتا صندلی تو محوطه‌ی پاساژ (طبقه‌ی بالای همکف). داخل سیگار کشیدن ممنوعه و بیرون آزاد و تازه اون بیرون که سیگار بکشن چون محوطه بازه کسی اذیت نمیشه، اینطوری کسی با کسی به مشکل نمی‌خوره. [اکثرا مث خود پاساژ خلوت‌ه و برای جمع‌های پرتعداد خوبه، در حد ۲۰ نفر. پیشنهاد من: چای موروکن مینت]

۵- کافه الف: کافه الف کافه‌ی دنج و خلوتیه. آهنگ‌ها آروم و فضای تقریبا تاریک و البته دکور بسیار زیبا. کافه‌ایه که برا تنها نشستن خوبه.

۶- کافه هیچ: یه کافه‌ی دوست‌داشتنی و دوستانه. آهنگ‌هاش خیلی خوبه و هواش هم با اینکه اکثر مشتریا سیگاری هستن خوبه. طبقه‌ی بالاش هم یه میز ۸ نفره داره که برای جمع‌های بزرگ بهتر و دور همی‌تره.

۷- [کافه لند: یه کافه‌ی تازه‌تاسیس انتهای یه پاساژ تو خیابون بزرگمهره که هم فضای درونی داره، هم بیرونی. فضای درونیش برای جمع‌های پرتعداد مناسبه. پیشنهاد من: فکر کنم اسمش افترایت بود، یه شیک شکلاتی نعنایی]

۸- کافه لورکا: باز هم یه کافه‌ی خوشگل دیگه. این کافه معمولا نور خوبی داره و خیلی زنده به نظر میاد. معمولا خیلی شلوغه و ممکنه چند باری یادشون بره چی سفارش دادین. جماعت سیگاری اینجا هم زیاد دیده می‌شن. (پیشنهاد من: پرس سه نفره)

۹- [کافه گیو: یه فضای نشستن بیرون از کافه داره، یه میز بزرگ هم توی کافه داره که هر دو برای جمع‌های پرتعداد و تولد خوبن. کافه‌داراش هم صمیمی‌ان. پیشنهاد من: چیپس و پنیر]

۱۰- کافه رادیو: رادیو یه کافه‌ی کوچیک و دوست‌داشتنیه. جالبترین چیزی که ازش یادمه اینه که آهنگاش شبیه به باقی کافه‌ها نیست. بعضی وقتا یه آهنگ‌های ایرانی قدیمی آروم و خوبی داره. در ضمن نزدیک هم هست و کافه‌دار دوستانه‌ای هم داره. سیگار کشیدن توش آزاده ولی دود سیگار هیچ وقت آزاردهنده نمی‌شه.

۱۱- کافه تمدن: یکی از نزدیکترین کافه‌ها به چهارراه ولیعصر. فضای شلوغ و دیدنی‌ای داره [داشت! بعد از این که یه مدت تعطیل بود و مدیریتش عوض شد دیگه به اون شلوغی نیست] و خیلی دوستانه نیستن. آهنگ‌هاش

۱۹- [کافه (کیک استودیو) ورتا: از محدود کافه‌های سیگار ممنوع این دور و بر که فضای روشنی هم داره. ویژگی این کافه کیک و شیرینی‌های متنوع و رنگارنگشه]

۲۰- کافه دیوار: دیوار یه کافه‌ی ساکت و خلوت. برا وقتایی که می‌خوای تنها باشی و کسی کاری به کارت نداشته باشه خوبه.

۲۱- کافه رومنس: رومنس کافه‌ی گرونیه که البته سرویسش هم خیلی خوب و متناسب قیمتشه. غذاهای خوشمزه‌ای هم داره. موسیقیش هم خوبه. از اونجایی که چندین اتاق داره برا دور همی‌های از پیش برنامه‌ریزی‌شده مثل تولد و این حرفا خوب جواب می‌ده. و همین طور هم اتاق‌هایی برا سیگاری‌ها داره و هم غیرسیگاری‌ها. (پیشنهاد من: چای هندی)

۲۲- [کافه وصال سابق: الان کافه وصال اومده بالای کافه آن، ولی جای سابقش هنوز هست. هیچ کدوم از دو تا کافه‌ی جدیدو نرفتم ولی کافه وصال فعلی فضای بزرگی داره و خیلی نورگیره، قیمتش یه ذره بالاس، جای قبلیش هم یه فضای بیرونی با یه حالت گل‌خونه‌ای داره]

۲۳- کافه میرا: یه کافه‌ی تقریباً خلوت تو پاساژ اسفند. توی منو می‌تونید مطالب جالب برای خوندن پیدا کنید! همه‌ی کافه به جز دو تا میز برای سیگاری‌ها در نظر گرفته شده.

۲۴- [بستنی شاد: این یکی یه کانسپت برا خودش!! یه مقاله‌ی جدا می‌خواد اصن! ولی اگه بخوام کوتاه بگم، قیمتای پایین. کیفیت مناسب. طعم‌های بسیار متنوع بستنی. وقتی شلوغ می‌شه خیلی نمی‌شه نشست. بعد از ظهرا اگه برین، سایت خودمونه، همه آشنا! پیشنهاد من: گردویی، دارک، کوکی، فندقی]

جدا از همه‌ی این کافه‌هایی که گفتم، خودتون هم وقتی تو خیابون‌ها راه می‌رید چشتون رو بچرخونید. چون کافه‌های زیادی هستن که من نرفتم و شاید حتی وقتی من این متن رو می‌نوشتم هنوز راه نیافتاده بودن. کی می‌دونه؟ شاید اون کافه دقیقاً همون چیزی باشه که همیشه دنبالش بودین، شاید اون کافه همون جایی باشه که قراره توش کلی خاطره بسازید.

با یاد و خاطره‌ی کافه‌هایی که دوستشون داشتم و به دلایلی دیگه نیستن: کافه پراگ، کافه وینو، کافه ژان دارک و کافه چی.

هم چنگی به دل نمی‌زنه. با این حال تقریباً بعیده کسی کافه‌رو باشه و یادش نیاد یه مدت زیادی می‌رفته کافه تمدن. سیگار کشیدن آزاده ولی دود آذیت نمی‌کنه. (پیشنهاد من: هیچی ۴۰۰۰ تومان) [پیشنهاد من: شیک بیسکویت مادر]

۱۲- کافه گرامافون: گرامافون یه کافه‌ی گرم و صمیمیه که همه جوره خوبه. [خوشبختانه] اینجا هیچ رقم نمی‌شه سیگار کشید. اگه از دود سیگار فراری هستید شدیداً توصیه می‌شه. [به درد جمع‌های بالای ۶ نفر نمی‌خوره. پیشنهاد من: اسمش یادم رفته! ولی محتویاتش شیر، چای، دارچین و عسله]

۱۳- کافه گندم: کافه‌ی تقریباً گرونیه، ولی مثل اکثر کافه‌ها دخمه نیست. میزهای بزرگی داره که فضا رو پر کردن. معمولاً هم در طول روز از نور خورشید بهره می‌گیره که باز باعث می‌شه بر خلاف اکثر کافه‌ها تاریک نباشه.

۱۴- کافه قهوه قجری: این کافه از نظر من جزو کافه‌های دنج و خلوت به حساب میاد. که برا کسانی که می‌خوان تنها برن یه جایی و به ذهنشون استراحت بدن خوبه.

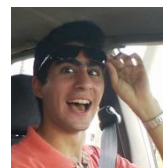
۱۵- [کافه هتل پرشیا: جای شدیداً ارزون و خلوتیه، به جز ماه رمضان، و برای درس خوندن دسته‌جمعی توی عید، که دانشگاه تعطیله، پیشنهاد می‌شه ولی کیفیت چیزایی که می‌ده اصلاً خوب نیست و اصلاً آهنگ نداره. کاری هم ندارن که چند ساعته نشستین. پیشنهاد من: چیپس و پنیر نگیرید!!]

۱۶- کافه هنر: اولین چیزی که از کافه هنر یادم میاد بازیاشه. شطرنج و اتللو و کریدور و کلی چیز دیگه. فقط زود برید که خیلی زود شلوغ می‌شه. تا اونجا که یادمه طبقه‌ی همکفش نمی‌شد سیگار کشید که باعث می‌شه هم سیگاری‌ها بتونن برن هم غیرسیگاری‌ها. مهم‌ترین مشکلش هم (اگه تا الان رفع نشده باشه) اینه که چای دمی نداره و فقط چای کیسه‌ای داره. (با این که چای دمی نداره، پیشنهاد من: چای با کراسان)

۱۷- کافه سپیدگاه: الان که این متن رو می‌نویسم خیلی وقته که اونجا نرفتم ولیکن یادمه که سپیدگاه برا ناهار یا شام خوردن از همه جا به صرفه‌تر بود.

۱۸- [قنادی فرانسه: جای نشستن نداره و خیلی نمی‌شه اونجا موند ولی در عوض کیفیتش عالی و قیمتش پایینه. پیشنهاد من: هر نوع شیرینی که خب طبیعتاً تازه‌س]

سینا شیخ‌الاسلامی، ورودی ۹۰



خوش اومدین بچه‌ها. به دانشکده‌ی ما خوش اومدین. سه سال پیش توی همچین روزایی، من هم برای اولین بار وارد دانشگاه صنعتی امیرکبیر و دانشکده‌ی مهندسی کامپیوتر شدم و تحصیل در رشته‌ای رو شروع کردم که از کلاس اول دبستان بهش عشق می‌ورزیدم.

الان که در حال نوشتن این یه تیکه هستم، هنوز نتایج انتخاب رشته‌ی شما اعلام نشده (الان آخر مرداده!) و ما داریم واسه روز ثبت نام شما برنامه‌ریزی می‌کنیم تا خاطره‌ی خیلی خوبی از اولین روز حضورتون توی دانشکده‌ی عزیزمون ثبت بشه.

شما وارد دانشکده‌ای شدین که آدمای خیلی خیلی خفنی بهترین سال‌های جوونی‌شون رو توش گذروندن، پس از همین اول قدر روزایی که اینجا هستین رو بدوین. ما دانشکده‌مون یه فرق خیلی خیلی اساسی با بقیه‌ی دانشکده‌های امیرکبیر داره: ما یه خانواده‌ایم، و اینو بارها ثابت کردیم. اینو همیشه به یاد داشته باشین.

شما از امروز دیگه دانش‌آموز نیستین - دیگه همه شما رو به عنوان «دانشجو» می‌شناسن. پس سعی کنین واقعا دانشجو باشین و دانشجو بموین. از امروز به بعد، با اینکه مهم‌ترین وظیفه‌تون کسب علم و ایناس، ولی این تنها وظیفه‌تون نیست. شما از این لحظه به بعد باید نسبت به خیلی از چیزایی که شاید قبلا بی‌تفاوت از کنارشون رد می‌شدین فکر کنید. شما باید مشکلات اطرافتون - گروه دوستاتون، ورودی‌تون، دانشکده، دانشگاه، شهرتون، کشورتون، و دنیا- رو بشناسین و سعی کنین براشون راه حل ارائه بدین، و در این راه باید از علمی که توی این چند سال به‌دست میارین استفاده کنین.

خب. در هفته‌های اول حضورتون توی این دانشکده متوجه می‌شین که یه سری از بچه‌ها هستن که مدام این ور و اون ور می‌رن و شاید هر هفته دو سه تا پوستر جدید ببینین که به در و دیوار نصب شدن. پویایی دانشکده‌ی ما خیلی بالاست، و اگه اهل فعالیت‌های فوق برنامه باشین مطمئن باشین در حداقل چهار سالی که اینجا هستین خیلی خیلی بهتون خوش خواهد گذشت!

چون جناب سردبیر با همه شرط گذاشتن که متن‌ها خیلی طولانی نشه و از اون ور هم من یه خورده دیر کردم و

بقیه‌ی دوستان هم‌هی نصایح ممکن(!) رو تا الان انجام دادن صد درصد، فقط به ذکر این نکته اکتفا می‌کنم که همانا در ترم یک از سه چیز غافل نشوید: مبانی کامپیوتر و برنامه‌سازی (سعی کنین ۲۰ بگیرین! به عنوان یه مهندس کامپیوتر یه جورایی عیبه اگه نمره‌تون پایین شه!)، ریاضی و فیزیک عمومی (حتما حتما هم‌هی کلاس‌ها رو برین و نکته‌برداری کنین که واسه امتحانا خیالتون کاملا راحت باشه، ممکنه یه سری بگن که خب شب امتحان یا یه هفته قبلش می‌ریم جزوه می‌خریم می‌شینیم می‌خونیم پاس می‌شه می‌ره، این افراد که از قضا تعدادشون کم هم نیست اصولا جادوگرن! و اگه مثل من زیاد حوصله‌ی پشت سر هم درس خوندن رو ندارین به خودتون لطف کنین و سر کلاس برین تا بیهو مجبور نشین چند شب بشینین درس بخونین. این درس‌های «سرویس» رو زود پاسشون کنید برن پی کارشون!)، و از همه مهم‌تر، شورا و انجمن، و انجمن و شورا. سعی کنید همیشه ارتباطتون رو با این دو نهاد برخاسته از رای دانشجویای دانشکده محکم و شاداب نگه دارین! خب، بقیه‌ی حرفارو موقعی که هم‌دیگه رو دیدیم باهم در میون خواهیم گذاشت.

به بهترین ماجرای زندگی‌تون خوش اومدین (:

به ورودی‌های جدید بگین:

هممیشه تو ذهنتون باشه که دارید توی یکی از بهترین دانشگاه‌های ایران درس می‌خونید، اما فکر نکنید همه چی تمومه! خیلی دنبال کارهای فوق برنامه و یاد گرفتن موارد جانبی برای درس‌هاتون باشید. صرف تنوری بلد بودن و گرفتن نمره‌های بالا کافی نیست. خیلی خوب با استادها ارتباط مستمر برقرار کنید، نه برای گرفتن نمره بلکه برای کارهای پژوهشی بیشتر و... چون مباحث رشته‌ی ما ملموس نیست و در واقع انتزاعی هست سعی کنید مطالب را عمیق عمیق یاد بگیرید. یادمه یکی از شاگرد اول‌های رشته‌ی سخت‌افزار تو ترم‌های ۵ و ۶ هنوز نمی‌دونست مادربرد چیه. این مورد صرف نظر از هر توهین و غرضی در مورد دانشجویان دختر تو این رشته صادق. خودتون رو دست کم نگیرید!

ناهید قصابزاده، ورودی ۸۴

سید عطا مظلومیان، ورودی ۹۰



مدرسه که می‌رفتیم، همیشه اول مهر یاد این شعره می‌افتادم، نمی‌دونم چرا انقدر سعی می‌کردن مدرسه رو خوب نشون بدن، از همون روز اول باید دو ساعت تو صف وامی‌ستادیم، بعدم به نوبت آقای مدیر، معاونا سخنرانی می‌کردن، واقعا هیچ قسمت جذابی نداشت، حداقل روز اولو نمی‌داشتن آدم راحت باشه... آها ببخشید چرا، یه نکته‌ی مثبتی داشت، فک کنم یه چند باری اول مهر به ما شیرینی دادن، به هر حال باید منصفانه نگاه کنیم، خوب نیست فقط چیزای منفیو در نظر بگیریم، خلاصه بازم به نظرم اون یه دونه شیرینی به دو ساعت صف و ایسادن نمی‌ارزید، شاید اگه آرمیوه هم می‌دادن می‌شد یه کم بیشتر مراسمو تحمل کرد.

تو دانشگاه فکر می‌کردم اوضاع با مدرسه فرق کنه، و واقعا هم فرق می‌کرد. از وقتی دانشگاه اومدیم دیگه لازم نبود دغدغه‌ی اول مهر و داشته باشیم، چون کلاس از وسط شهریور شروع می‌شد. تازه روز ثبت نام هم خیلی بهتر از اون مراسم مدرسه بود، چون آرمیوه هم می‌دادن، برا سخنرانی هم لازم نبود دیگه تو صف و ایسیسیم، می‌تونستیم تو سالن رو صندلیا بشینیم، ولی خب متاسفانه من که دیر رسیدم، فقط به قسمت شیرینی و آرمیوه‌ش رسیدم، نتونستم از سخنرانی نهایت استفاده رو ببرم.

خب یه چیزی که در مورد دانشگاه فکر می‌کردم و خیلی دوست داشتم درست باشه این بود که می‌گفتن «دانشگاه برین راحت می‌شین»، نمی‌دونم چرا اینو می‌گفتن، شاید برا اینکه برا کنکور بیشتر بخونیم... ولی خب این جواری نیست، تو دانشگاه آدم کم‌کم باید بفهمه به چی علاقه داره، و سعی کنه بره دنبالش و یاد بگیره، به خصوص رشته‌ی ما، که خیلی زمینه‌های گسترده‌ای داره، و تو دانشگاه فقط وقت می‌شه یه بخشای خیلی کلی و کمی از کامپیوتر رو پوشش بدن، بخش‌هایی که شاید خیلی هم جذاب هم نباشن.

یه بخش دیگه از زندگی دانشجویی زندگی خوابگاهیه. خوابگاه یه تجربه‌ی جدیدیه و خب شرایط زندگی خوابگاهی با زندگی تو خونه فرق می‌کنه و سخت‌تره ولی خب اگه نسبت به سربازی بخوایم مقایسه کنیم شاید خیلی جای

بهتری باشه، حداقل بیدار باش نداره. دونستن چندتا چیز در مورد خوابگاه می‌تونه خوب باشه:

- پله‌ها همیشه بهتر از آسانسورن (بر اساس یک تجربه‌ی شخصی).

- دمپاییا یه وسیله‌ی حمل و نقل عمومی به حساب می‌آن.
- یخچال یک وسیله‌ی تقریبا عمومی، اگه چیزی توش گذاشتین لازم نیست نگران گذشتن تاریخ انقضاش باشین، چون بقیه بچه‌هایی که به فکر سلامتی شمان نمی‌ذارن تاریخش بگذره.

- سوسک دوست ماست.
- خوابگاه بهترین جا برا تمرین آشپزیه، می‌تونین با نیمرو شروع کنین، هرچی هم غذا بد باشه، همیشه یه سری هستن که بتونن بخورن.
- در انتخاب هم‌اتاقی دقت کنید.

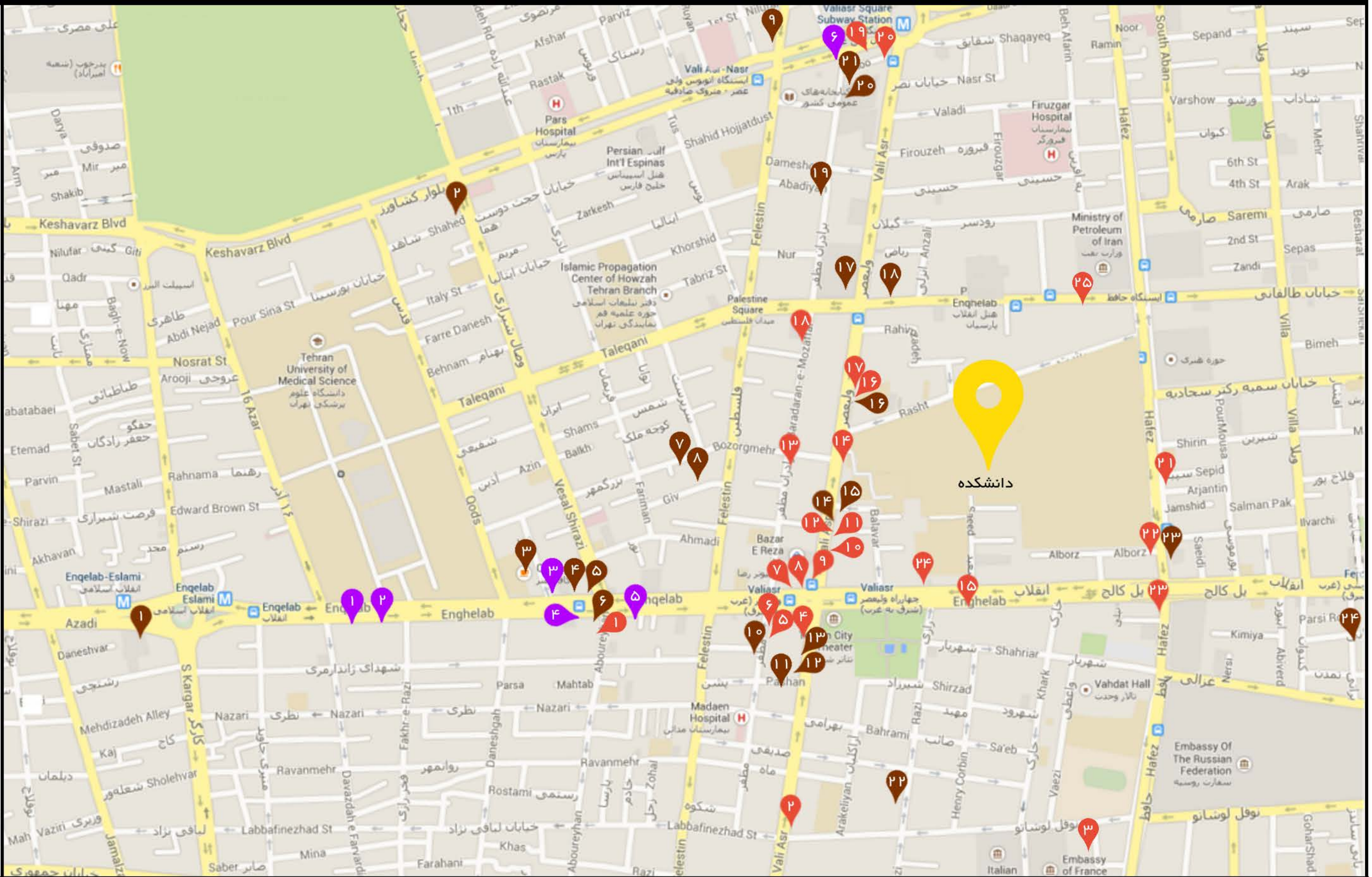
خب البته مسلما خیلی چیزایی هست که فقط با تجربه کردن می‌شه درکشون کرد و با حرف زدن نمی‌شه توضیح داد، ولی مهم‌ترین چیزی که باید بدونین اینه که، همونطور که قبلا گفتم، شرایط زندگی خوابگاهی متفاوته، و شاید تنها راه برای اینکه زندگی راحت‌تری تو خوابگاه داشته باشین، کنار اومدن با این شرایط جدید باشه.

به ورودی‌های جدید بگین:

من اگه برگردم به سه سال قبل، موقعی که تازه وارد دانشگاه شده بودم فقط یه کار می‌کنم: هدف چند سال آینده‌م رو مشخص می‌کنم. هدف! هدف! هدف! نمی‌گم درس بخونید!!! نمی‌گم برید کار کنید!!! با دوستانتون برید بیرون، بازی کنید، تفریح کنید، هر چقدر که موقع کنکور درس خوندید الان جبران‌ش کنید (دی)... تنها چیزی که می‌گم اینه که برای زندگی‌تون هدف بذارید. اگه می‌خواید اپلای کنید، اگه می‌خواید بمونید و پول در بیارید اگه می‌خواید تو یه زمینه‌ی به‌خصوص کار کنید....

هر کاری که می‌خواید بکنید تصمیم‌تون رو زودتر بگیرید، خودتون رو برآش آماده کنید که خیلی زودتر از اون چیزی که فکرشو بکنید زمان می‌گذره و شاید مٹ من و خیلیا پشیمون بشید. یه چیز خیلی خیلی مهم‌تر، قدر زمان آزادی رو که دارید بدونید. باور کنید منم مٹ خودتون از نصیحت حالم به هم می‌خوره و اون موقع که این چیزا رو می‌شنیدم جدی نمی‌گرفتم.

نوید میرنوری، ورودی ۹۰



کافه‌ها

- ۱ کافه میرا
- ۲ کافه نقش وصال
- ۳ کافه هنر
- ۴ کیک استودیو ورتا
- ۵ سپیدگاه
- ۶ شیرینی فرانسه
- ۷ کافه لورکا
- ۸ کافه گیو
- ۹ کافه هیچ
- ۱۰ کافه قهوه قجری
- ۱۱ کافه تمدن
- ۱۲ کافه گندم
- ۱۳ کافه گرمافون
- ۱۴ بستنی شاد
- ۱۵ کافه رادیو
- ۱۶ کافه سارا
- ۱۷ کافه ایستگاه
- ۱۸ کافه آوانسن
- ۱۹ کافه الف
- ۲۰ کافه آن
- ۲۱ کافه وصال
- ۲۲ کافه دیوار
- ۲۳ هتل پرشیا
- ۲۴ کافه رومنس

رستوران‌ها

- ۱ کبابی
- ۲ چلوکبابی ولیمه
- ۳ پیتزایی عمو داوود
- ۴ بوفالو
- ۵ آواچی
- ۶ جیگرکی
- ۷ کافه تهران
- ۸ شیلیا
- ۹ چلوکبابی حاج محسن
- ۱۰ سوپر استاپ

کتاب‌فروشی‌ها

- ۱ کتاب‌سرای نیک
- ۲ انتشارات خوارزمی
- ۳ نشر افق
- ۴ انتشارات مولی
- ۵ ترنجستان (سروش)

- | | | |
|------------------------------|------------------------|--------------------------|
| ۱۱ KF1 | ۱۶ چلوکبابی کندو | ۲۱ گوارد |
| ۱۲ فست فود لیو | ۱۷ اکسیژن | ۲۲ پاستا چارمیز |
| ۱۳ رستوران صبا | ۱۸ پیتزا و ساندویچ صبا | ۲۳ جیگرکی |
| ۱۴ غذای خانگی ا... اینو | ۱۹ ساندویچ هایدا | ۲۴ هات‌داگ خوران ولی عصر |
| ۱۵ چلوکبابی نورمحمدی و پسران | ۲۰ فلافلی | ۲۵ کبابی ریجون |

زندگی خوابگاهی

صادق چرمچی، ورودی ۹۰



چندتا نکته برای یه زندگی بهتر تو خوابگاه، هم واسه خودمون و هم واسه دیگران:

۱- برای اینکه به طور کل از بودن در کنار دوستان تو خوابگاه بیشتر لذت ببرین این دو تا کلمه رو از دایره‌ی لغاتتون خارج کنین: «مال من» (البته این به شدت بستگی به اخلاق دوستانتون داره در مورد بعضی‌ها صدق نمی‌کنه!) این طوری خودتون خیلی راحت‌تر اوقات رو می‌گذرونین. یه موردش که الان تو ذهنم همین مساله‌ی دمپایی‌ها است. یادمه اون اوایل که تازه وارد خوابگاه شده بودم خیلی حساس بودم که حالا دمپاییم رو وردارم و بذارم تو جاکفشی و مرتب و این حرف‌ها. یه روز رفتم نمازخونه بعد که اومدم بیرون دیدم دمپایی‌هام نیست. اولش تعجب کرده بودم ولی الان بعد از دو سال زندگی خوابگاهی می‌بینم همون بهتر که گمشون کردم الان راحت هر دمپایی‌ای که می‌بینم جلو در هست رو می‌پوشم و می‌رم کارم رو انجام می‌دم: دی (این مورد نمی‌دونم اجازه چاپ پیدا می‌کنه یا نه: دی).

۲- موقع استفاده از آسانسور خوابگاه اگه منتظر دوستتون هستین تا بیاد، لطفاً در آسانسور رو باز نگه ندارین و منتظر شین تا دوستتون برسه. ممکنه طبقات دیگه آسانسور رو لازم داشته باشن. بذارین بقیه هم از آسانسور استفاده کنن. باور کنین اگه بذارین آسانسور بره بعد از چند ثانیه دوباره برمی‌گرده و راه دوری نمی‌ره. این مشکل رو یادمه صبح‌ها که همه با هم می‌خواستیم بریم دانشگاه خیلی باهاش مواجه می‌شدیم.

۳- سعی کنین هر چه سریع‌تر با انتظامات خوابگاه رفیق شین. ارزش این کار رو وقتی درک می‌کنین که یه شب مثل من بعد از ساعت ۱۲ می‌رسین خوابگاه و با عجز و ناله از انتظامات درخواست می‌کنین که شما رو راه بده به خوابگاه. این جور مواقع از گفتن جملاتی مثل ببخشید و عذر می‌خوام و امثالهم دریغ نکنید!

۴- شب‌هایی که فوتبال پخش می‌شه سر و صدا رو در همون حد معمول نگه دارین و نذارین صدای فریادهای بلند شما بعد از به‌ثمر رسیدن گل یا از دست رفتن یک موقعیت حساس بقیه رو آزرده کنه. ارزش این رو هم وقتی می‌فهمین که یکی از همسایه‌ها میاد و به انتظامات از دست سر و صدای بلند شما شکایت می‌کنه و انتظامات

هم پس از چند بار هشدار در بلندگو مجبور می‌شه که آنتن تلوزیون‌ها رو کلا قطع کنه. اون وقت شاید از کارتون پیشمون بشین. شاید هم نشین!

۵- برای استفاده از یخچال بهترین کار اینه که هر اتاقی یک طبقه از یخچال رو به خودش اختصاص بده و شماره‌ی اتاق‌ها رو هم رو در یخچال بنویسین چون معمولاً بیشتر از یک یخچال تو سوویت هست. مواد خوراکی‌تون رو هم تو همون طبقه بذارین این طوری خیلی راحت‌تر می‌تونین از خوراکی‌های هم‌دیگه استفاده کنین (با هم‌اتاقی‌هاتون که دیگه تعارف ندارین؟؟) و کلا آدرس دادنش راحت‌تره دیگه.

۶- لطفاً، لطفاً، لطفاً نذارین که مواد غذایی که تو یخچال گذاشتین بو بگیرن و فاسد بشن. به محض اینکه دیدین چیزی دارین که داره خراب می‌شه از تو یخچال بردارین و مستقیم انتقالش بدین به سطل آشغال. خیلی دیدم که بچه‌ها غذاهاشون رو می‌ذارن تو یخچال و نمی‌خورن و انقدر می‌مونه تو یخچال تا اینکه اون قسمت از یخچال که ظرف ایشون بوده کلا کپک می‌زنه و بالاخره یک نفر دیگه مجبور می‌شه شام یک ماه پیش شما رو بندازه سطل زباله (بعضی وقت‌ها اون یک نفر هم پیدا نمی‌شه).

۷- اگه عادت ندارین که ظرفاتون رو بلافاصله بعد از غذا بشورید حداقل این کار رو به چند روز بعدش هم موکول نکنید. کارکنانی که مسئولیت تمیز کردن رو بر عهده دارن اگه ببینن که ظرفی نشسته تو آشپزخونه ول شده اون رو به جای دیگه منتقل می‌کنن. بعداً از گم شدن ظرفتون ناراحت نشید.

۸- یک قانون دیگه که تو خوابگاه به شدت حکم فرماست می‌گه که اگه یک چیزی رو تو یه جای عمومی گذاشتی (مثلاً آشپزخونه یا ...) اون چیز صاحب خاصی نداره و همه می‌تونن ازش استفاده کنن. مثلاً اگه وسایل پخت‌وپز مثل روغن یا کبریت رو بردین تو آشپزخونه واسه آشپزی و وقتی آشپزی‌تون تموم شد و فراموش کردین که برشون گردونین داخل اتاق اگه دفعه بعد دیدین که نیستش یا چیزی ازش کم شده ناراحت نشین. از مصادیق بارز این مورد می‌شه به اسکاچ ظرفشویی، دمپایی‌های جلو در، کبریت‌های داخل آشپزخونه و خیلی چیزهای دیگه اشاره کرد.

۹- برای تشویق شما دانشجوهای عزیز به نظافت استفاده از جاروبرقی رایگانه و کافیه که کارتتون رو به انتظامات خوابگاه تحویل بدین و وقتی هم که استفاده‌تون تموم شد

ظهر استراحت کنین و میببین که نمی‌شه تو اتاق استراحت کرد این جور مواقع می‌تونید از نمازخونه برای استراحت استفاده کنین.

۱۲- علاوه بر انجام کارهای کامپیوتری یا استفاده از اینترنت برای انجام کارهای پرینت و اسکنتون می‌تونین از سایت خوابگاه استفاده کنین. اسکن کردن رایگانه اما برای پرینت باید مبلغی رو به مسئول سایت پردازین. اگه نرم‌افزاری رو لازم دارین که روی سیستم‌های سایت نصب نیست و موقع نصب روی سیستم هم پسرود ادمین می‌خواد این موضوع رو به مسئول سایت بگین تا اون نرم‌افزار رو براتون نصب کنه. کتابخونه‌ی خوابگاه هم برای امانت گرفتن کتاب جای خوبیه؛ از کتاب‌های درسی گرفته تا شعر و داستان و رمان و کتاب‌های مذهبی همه چی داره فقط یه موضوعی که وجود داره اینه که اگه کتابی رو امانت گرفتین اون رو سر موقعش پس بدین تا بقیه هم بتونن استفاده کنن. چون کتابخونه‌ی خوابگاه مثل کتابخونه‌ی دانشگاه نیست که به صورت جدی حواسشون به این چیزا باشه یا مثلا جریمه واسه دیرکرد بگیرن. یکی از بچه‌ها یادمه ترم پیش یه کتاب عمومی رو از کتابخونه اول ترم گرفته بود تا آخر ترم هم دستش بود، هیچی دیگه من مجبور شدم برم یک نوش رو برای خودم بخرم.

۱۳- حمام‌های خوابگاه برای استفاده‌ی شماست. هم‌اتاقی‌ها و دوستانتون ممکنه با شما رودربایستی داشته باشن و روشن نشه که به شما بگن که به حمام نیاز دارین. خودتون لطفا این رو تشخیص بدین و اقدام مناسب رو انجام بدید! یه چیزی که تو این سه سال بیشتر در این مورد به نظرم اومده موضوع جورابه چون هیچ چیز دیگه‌ای به اندازه جوراب نمی‌تونه بوی بد به خودش بگیره پس حواستون به این مورد هم باشه.

۱۴- با توجه به اینکه تعداد میزهای سالن مطالعه‌ی خوابگاه زیاد نیست بهتره بعد از اینکه درس خوندتتون تموم شد و یا مثلا اگه برای یکی دو ساعت یا بیشتر می‌خواین سالن مطالعه رو ترک کنین، وسایلتون رو از روی میز جمع کنید. و اگر هم نمی‌خواید ببرید اتاق، اون‌ها رو یه گوشه‌ی میز بذارید اینطوری بعد از شما اگه کسی خواست می‌تونه از میز بدون عذاب وجدان(!) استفاده کنه. این موضوع مخصوصا تو شب‌های امتحان خیلی اهمیت پیدا می‌کنه.

۱۵- سالن مطالعه جای دورهمی مساله حل کردن و رفع اشکال دسته جمعی نیست. ممکنه بعضی از بچه‌ها روشن

کارتتون رو پس بگیرین (کلا هر چیزی بخواین از انتظامات بگیرین باید کارتتون رو به عنوان گرو پیششون بذارین). اما برای استفاده از ماشین لباسشویی یا اتو باید هزینه‌ی ناچیزی رو به انتظامات بدین. حرف از ماشین لباسشویی شد جا داره ازتون خواهش کنم که لطفا برای شست‌وشوی کفش‌هاتون از ماشین لباسشویی استفاده نکنین. یادمه پارسال یکی از بچه‌ها کفش‌هاش رو انداخته بود تو ماشین من هم از خدا بی خبر بعد از اون لباس‌هام رو انداختم تو همون ماشین بعد که لباس‌هام رو درآوردم کلا تصورم از پاکیزگی به کل تغییر کرد.

۱۰- همین اول کار اگه از اتاقی که توش هستین راضی نیستین و یا می‌خواین با افراد دیگه‌ای اتاق داشته باشین هیچ نگران نباشین چون چند هفته دیگه این لیست اتاق‌ها کلا عوض می‌شه و می‌تونین با هر کسی که خواستید اتاق بدین. البته این نکته رو در نظر داشته باشین که چون تعداد و ظرفیت اتاق‌ها محدوده ممکنه اون شرایط ایده‌آلی که می‌خواین براتون پیش نیاد. ولی چون دوباره در ابتدای ترم دوم دوباره باید لیست اتاق بدین عدالت برقرار می‌شه و مسئولین خوابگاه موقع مشخص کردن اتاق‌ها این نکته رو در نظر می‌گیرن که مثلا شما قبلا تو چه اتاقی بودین، اینکه مثلا اتاق شرایط فیزیکیش خوب بوده یا نه یا اینکه ظرفیت اتاق چه قدر بوده. پس مثلا اگه الان تو یک اتاق پرجمعیت هستین و یک اتاق کم‌جمعیت‌تر می‌خواین برای ترم بعد بدوین که شانس‌تون زیاده و این نکته رو که از اتاق فعلی راضی نیستین به مسئول خوابگاه بگین. کلا اگه می‌خواین اتاق خوبی داشته باشین سعی کنین روابط خوبی با مسئول خوابگاه داشته باشین: دی.

۱۱- یه نکته که در مورد هم‌اتاقی‌هاتون باید بدوین اینه که اخلاق و روحیات بچه‌ها با هم‌دیگه و با شما خیلی فرق می‌کنه. انتظار نداشته باشین هر چیزی به بقیه می‌گین اون سریع قبول کنه. این اول کار که خیلی شناختی از هم‌دیگه ندارید، یه کم بااحتیاط‌تر عمل کنید، سعی کنین رعایت حال هم‌دیگه رو بکنین مثلا اگه یه شب شما می‌خواین نود نگاه کنین و دوستتون می‌خواد بخوابه می‌تونین برین تو یه اتاق دیگه که دارن نود نگاه می‌کنن. این رو برای این می‌گم که همین اول کاری خدای نکرده مشکلی با کسی پیدا نکنین. یا مثلا اگه شما می‌خواین تو اتاق درس بخونین و دوستانتون دارن تو همون اتاق فیفا می‌زنن بهتره که شما برای درس برین سالن مطالعه و با هم بحث و جدل نکنین. اگه مثلا یه روز می‌خواین بعد از

نشه به شما بگن که لطفا آروم‌تر صحبت کنید. برای این کار به نظر من اگه نمی‌تونین تو اتاق یا سوئیت کارتون رو انجام بدید بهترین جا نمازخونه‌ی خوابگاهه. اکثر مواقع هم خلوته، هم شرایط آب‌وهواییش (!) خوبه. کفش هم که فرشه دی:

به ورودی‌های جدید بگین:

اگه از خونوادتون جدا شدین واقعا تغذیه رو جدی بگیرین. سلامتی مهم‌ترین چیزه.

سعید میرزایی، ورودی ۹۱

ترکیب ۱۱ نفره‌ی پیشنهادی من برای ورودی‌های جدید

محمدعلی جنت‌خواه‌دوست، ورودی ۸۷.

مدیر شبکه‌ی اجتماعی طرفداری



۱ - با خودتان رقابت کنید، قطعاً بین دیگران از شما باهوش‌تر، خوشگل‌تر و... پیدا می‌شود. شما قرار نیست سوپرمن باشید، قرار است در یک زمینه خودتان را «متفاوت» کنید. امضای شخصی خودتان را داشته باشید تا هرکس که راجع به یک موضوع خاص سوال داشت بداند در آن مورد به شما مراجعه کند.

۲- نمره مهم است، اما خودتان را به آن نغروشید. به خاطر نمره اخلاقیات را از دست ندهید، دوستانتان را نرنجانید، اگر به کسی کمک کردید و نمره‌اش از شما بیشتر شد شما برنده‌ی واقعی هستید چون یک ارتباط خوب پیدا کرده‌اید و دیگران هم می‌فهمند با بودن در کنار شما پیشرفت می‌کنند. پیشرفت دیگران باعث پیشرفت شما نیز می‌شود. اما خاطرتان باشد قدرناشناسی دیگران از شما کم نمی‌کند بلکه آن‌ها شما را از دست می‌دهند!

۳- توانایی شما برای کار کردن و پول درآوردن خیلی ربطی به نمره ندارد. به تفاوت ایجاد کردن شما با دیگران در یک یا چند حوزه ارتباط دارد.

۴- مهارت‌های ارتباطی را بیاموزید، حتی در حد سلام علیک و احوال‌پرسی. پرمود بترا: یک انسان هر اندازه که توانمند باشد تا زمانی که نتواند با دیگران ارتباط برقرار کند موفق نخواهد شد.

۵- کار تیمی کنید، یاد بگیرید دو نفر هماهنگ بیش از دو نفر به‌تنهایی موفق خواهند شد و ثروت‌افزایی خواهند کرد! فرض کنید ۳۰ نفر شوید چه خواهد شد!

۶- بنای اولیه‌ی ارتباطات را اعتماد بگذارید، اما احتیاط را هم نادیده نگیرید. بدون اعتماد کردن شما یک سطح محدودی را به‌دست می‌آورید اما با اعتماد به دیگران حتی اگر در بیشتر موارد پاسخ نگیرید، بالاخره در جایی رشد فضایی می‌کنید!

۷- به انتقادات توجه کنید اما روی مسیر خودتان ثابت قدم باشید.

۸- صبور باشید، یکدیگر را تحمل کنید، شما از امروز با هزاران مشکل از نمره و انتخاب واحد گرفته تا اخلاق اساتید و کار پیدا کردن و در کل خود زندگی مواجه خواهید شد، پس مطمئن باشید اضطراب و پریشانی و بی‌حوصلگی فقط اصطکاک ایجاد می‌کنند و اصطکاک مساوی است با اتلاف انرژی. خودتان را صیقل دهید تا هر مشکلی به شما فشار آورد از کنار آن لیز بخورید و جلو بروید.

۹- چیزهای باارزش با ریسک به‌دست می‌آیند. اگر موفقیت و به‌دست آوردن چیزهای با ارزش فرمول مشخصی داشت همه به آن می‌رسیدند. موفقیت هر کس فرمول شخصی آن فرد را دارد.

۱۰- در محیط دانش، کار و... بدانید که چیزی را به شما جلوه نمی‌دهند. حقوق خوب از ابتدا به شما تعلق نمی‌گیرد، نمره‌ی خوب را زودتر از تلاش کردن به شما نمی‌دهند.

۱۱- این قانون را بدانید که هرچه قدر هم تلاش کنید الزامی به موفقیت‌های نقطه‌ای نیست. اما اگر روند زندگی شما با تلاش در آمیخته شود قطعاً در نهایت روند موفق خواهد داشت. شما اگر در ۱۰ درس تلاش کنید و ۹ بار حق شما خورده شود بالاخره در بار دهم قله را می‌زنید! یک قمارباز شاید یک دست را با شانس برنده شود اما وقتی ۲۰ سال در قمار موفق است این کارت‌ها و اتفاقات و شانس‌ها نیستند که او را موفق کرده‌اند بلکه صحیح بازی کردن اوست که موفقیتش را تضمین می‌کند. هیچ کس نیست که در پرتاب ۶ بار تاس همیشه بیش از ۲ بار شش بیاورد! پس خیلی به تاس و اتفاقات محیطی بد و خوب واکنش نشان ندهید، درست بازی کنید. شانس در اختیار یک ذهن همیشه آماده است.



خاطره‌ها واسه آدمای خیلی عزیزن. فرقی نداره چه تلخ باشن، چه شیرین. بعضی جاها هم هستن که خیلی مهمن، چون محل تولد این خاطراتن. مثلاً یه کافه که تولدهات اونجا برگزار می‌شده و یا یه ساندویچی که عصرها با رفیقات اونجا جمع می‌شدی و شکمی سیر می‌کردی و یا حتی یه کوچه، کوچه‌ای که دوران کودکی‌تو اونجا گذروندی. اصولاً تو هر دوره‌ای از زندگی این خاطراتن که آدمای رو زنده و سرحال نگه می‌دارن. دوران دانشجویی هم یکی از دوره‌های زندگیه. دوره‌ای پر از خاطره، پر از یاد، که تو ذهنت نقش می‌بندد و تو دانشگاهم خیلی جاها هست که خاطره سازه، جاهایی که وقتی ازش رد می‌شی انگار تمام اتفاقاتی که در تمام سال‌ها اونجا رخ داده دوباره از جلو چشمت رد می‌شن. تو دانشکده‌ی ما هم جاهای زیادی هست که خاطره‌انگیزه. مثل اتاق شورا، کلاس ۰۱، آمفی تئاتر و خیلی جاهای دیگه، ولی یه جایی هست که با بقیه فرق داره، جایی که می‌شه گفت واسه همه‌ی ما معنای خاصی داره، اونجا سایت کامپیوتر دانشکده‌ست.

آدرسش سر راسته، از در که وارد شدی به مسیرت کمی ادامه بده، سمت راستت یه راهروئه و انتهای اون یه در شیشه‌ای می‌بینی. به سمت در حرکت کن. اون سمتش سایته. جای جالبیه، معمولاً رفت‌وآمد زیادی توش وجود داره و شلوغه، البته این بسته به روز و زمانی که اونجایی داره. شنبه‌ها ظهر خیلی شلوغه و چهارشنبه عصر خلوت‌ترین زمانشه. هنگام ورود به سایت اگه به سمت چپ نگاه کنی یه اتاق می‌بینی که دور تا دورش پنجره‌ست و یه چند نفری اونجا نشستن، هر از چند گاهی هم مراجعه‌کننده‌هایی وارد اونجا می‌شن. این اتاق محل حضور مسئولین سایت و افراد حاضر در اونجا هم همین افراد هستن. این اتاق در زبان ساکنین دانشکده به «آکواریوم» معروفه.

یه سوالی که شاید برات پیش بیاد اینه که چرا اینجا باید انقدر خاطره‌انگیز باشه؟ جوابش ساده‌ست. اینجا محل جمع شدن دانشجویان این دانشکده‌ست، محل گذراندن زمان میان دو کلاس، محل برگزاری جشنواره‌هایی مثل Linux و مسابقاتی مثل ACM. اینجا پر از انرژی، پر از تکیا. مثل کد زدن‌های روزهای انجام پروژه و یا درس

خواندن‌های (خر زدن) وقت فرجه. هیجان زیادی اینجا هست. از هیجان روز فروش نهار سلف تا چک کردن دقیقه به دقیقه پورتال وقت اعلام نمرات. شادی بعد از پاس شدن و یا جواب مثبت دانشگاه‌ها به درخواست apply سال آخریا، و چه غم‌ناک اون موقع که می‌بینی نمره‌ی دلخواهت رو نگرفتی و یا یه bug گنده تو پروژه‌ت یک ساعت قبل از تحویلش پیدا می‌کنی، و یا اون لحظه که مهربی به دلت می‌شیند...

خلاصه اینکه اگه آدم خاطره‌بازی باشی اینجا واسه‌ت عالیه، ولی خب مثل هر جای دیگه قوانین خاصی داره که توضیحشون خالی از لطف نیست:

همون طور که گفتم سایت محلیه که زمان زیادی از حضورمون در دانشکده رو اونجا می‌گذرونیم پس تمیز بودنش خیلی مهمه.

خوردن و آشامیدن اینجا ممنوعه. جلوی دکه‌ی یعقوب و یا جلوی دانشکده برای این کار پیشنهاد می‌شه.

سیستم‌های موجود برای انجام پروژه‌ها و کارهای تحقیقاتی و دانشگاهی شما در نظر گرفته شده، پس انجام هرگونه بازی در هر ژانر اعم از استراتژیک، RPG و... قدغن.

هرگونه جدا کردن کابل، CPU، RAM، خازن، مقاومت و... از سیستم‌های سایت جایز نیست.

از نشستن روی میزها به شدت خودداری کنید، هر چند به شخمه خودم معتقدم خیلی بیشتر از صندلی حال می‌ده. بازگشایی سایت ساعت ۸ صبح و ساعت پایان کار ۸ شب می‌باشد، خودتون ۸ جمع کنید برید دیگه! منتظر اعمال زور (!) از طرف مسئولین سایت ننماید!!

سروصدا، مزاحمت، شوخی پشت‌واتنی ممنوع. استفاده از لپ‌تاپ پشت میز کامپیوترهای سایت مجاز نیست و جای مخصوص لپ‌تاپ همراه با لوازم مورد نیاز شامل پریز برق و کابل LAN جهت رفاه حال شما تعبیه گردیده.

سیستم مربوط به اسکنر صرفاً جهت اسکن است. آن را به منظور مصارف دیگر اشغال نکنید.

در هنگام انتخاب واحد آرامش خود را حفظ کنید. اول ایمنی، سپس واحد برداشتن.

جهت استفاده از چاپگر (همون پرینتر خودمان) از مسئولین سایت شارژ پرینت دریافت نمایید.

جهت استفاده از سیستم‌ها نیاز به حساب کاربری دارین که می‌تونین اون رو یه هفته بعد از ورودتون به دانشکده از مسئولین بگیرید.

با مسئولین سایت همکاری کنید و هر چی گفتن بگین چشم!

حالا اگه از این قوانین مهم و کتابی که در صورت عدم رعایت آن ها با مسئولین مربوطه طرف هستین، بگذریم یه سری مقررات دیگه هم هست که از اینا خیلی مهم تره. باز می‌گم اینجا یه محل خاصه، محل خاطره بازی ماهاست. حالا که قراره خاطرات چهارساله‌ی ما اینجا رقم بخوره پس چه بهتر که شیرین‌ترینشون باشه. اینجا تا می‌تونید با هم مهربون باشین. دل کسی رو نشکونین، نشه وقتی از کنار هم رد می‌شیم با دلخوری رومون رو بگردونیم و یا واسه اینکه با هم دانشکده‌ایمون روبه‌رو نشیم راهمون رو از سایت کج کنیم. تا می‌تونیم دوستی‌هامون رو محکم‌تر کنیم. از زمان حضورمون بهترین استفاده رو ببریم و در آخر مواظب خاطر اتمان باشیم.

واسه همه‌مون یه روزی میاد که باید از اینجا بریم، اون روز شماره دانشجویی، حساب‌های کاربری‌مون، کارت دانشجویی، همه و همه تموم می‌شه و به دست فراموشی سپرده می‌شه و اون چیزی که باقی می‌مونه همین خاطره‌هاست.

گاهی باید رفت و بعضی چیزهای بردنی را با خود برد، مثل لبخند، مثل غرور، و آنچه ماندنیست را جا گذاشت، مثل خاطره.



به ورودی‌های جدید بگین:

به قول استاد ریاضی ۱م، فرض کنین اون‌ی که می‌خواد برگه‌تونو صحیح کنه، مَرَضِ داره!!!
آرمین باشی‌زاده، ورودی ۹۰

به ورودی‌های جدید بگین:

سرفصلای ریاضی ۱ و فیزیک ۱ همون سرفصلای دبیرستان و پیش‌دانشگاهی هستن ولی به احتمال بسیار قوی دانش‌پیش‌دانشگاهی شما برای پاس کردن یا نمره‌ی خوب آوردن توی این دروس کفایت نمی‌کنه و باید سر کلاس‌ها حضور پیدا کنین و درس‌ها رو دنبال کنین، بسیار پیش اومده که طرف معدل ریاضی و فیزیک دوران دبیرستان و پیش‌دانشگاهی ۲۰ بوده و بعد ترم ۱ هر دوتا درس رو افتاده و افتادن این دوتا درس ممکنه به‌کل برنامه‌ریزی‌های سه سال آینده‌ی تحصیلتون رو تحت‌الشعاع قرار بده.

سینا شیخ‌الاسلامی، ورودی ۹۰

دانشگاه، قایقی دیگر

نیگا زاهدی، ورودی ۹۲

نه این که بگویم به مقصد نرسیده بودیم، نه، ولی هدف‌های این دنیا خودشان وسیله‌اند برای هدفی دیگر، قایق‌طور، انگار که دائما سوار قایقی شویم و به قایقی دیگر برسیم.



این آخرین قایقی که سوارش شدیم، یک جورهایی فرق می‌کرد،

ما بعد از سوار قایق شدن فرق کردیم،

شاید از تاثیرات قایق قبلی بود،

همان که بعد از پیاده شدن از آن کلی ذوق کردیم،

شاید هم مقتضای سمنان بود،

تاثیرات هم‌قایقی‌ها شاید،

می‌گفتند گم شده‌ایم، می‌گفتند این قایق، نبود آن طور که

می‌پنداشتیم، می‌گفتند مرداب‌وار است این قایق،

در حال فرورفتن در مرداب که باشی، کوچک‌ترین چوب

خشک افتاده در کناری هم، غنیمت است، چوب خشکی که

خودت انداخته‌ای، درختی که خودت کاشته‌ای.

بعضی‌ها درختی نکاشته بودند، برخی یادشان رفته بود

چه دانه‌ای را کجا انداخته بودند،

یا تعریف درخت را فراموش کرده بودند...

پ.ن: زمان به کار برده شده ماضی است. این خودش

گویای خیلی چیزهاست. پیدا شدیم، پیدا می‌شویم.

پ.ن ۲: در این راه می‌توان از خیلی‌ها کمک خواست،

نمی‌توان صورت مسئله را پاک کرد، اما می‌توان از آن‌ها

خواست که جواب را بنویسند، اما، بدان که لبخندت آن

زمان که راهت را خودت پیدا کرده باشی، بیشتر به دلت

می‌نشیند.

به ورودی‌های جدید بگین:

یه زبون مثل ++C یا جاوا رو عمیق یاد بگیرید، تایپ ده‌انگشتی فارسی و انگلیسی تا حداقل بین کامپیوتری‌ها فینگلیش نبینیم، تکست‌بوک‌ها (چیزی که بیشتر فکر می‌کنن به درد نمی‌خوره) رو بخونید، به انگلیسی (که خیلی‌ها فکر می‌کنن به اندازه‌ی کافی بلدن) تسلط پیدا کنین، کارآموزی واقعی در نیمه‌ی دوم کارشناسی و این که همه قرار نیست یه مسیر رو برن و آدما با هم فرق دارن...

فرشاد عین‌آبادی، ورودی ۸۴

یک سال پیش

فاطمه اسلامی، ورودی ۹۲

تقریباً یک سال پیش بود. همان وقتی که احساسات مختلفی وجودم را بغل کرده بود. ترس، هیجان، نگرانی، دل‌تنگی، ذوق‌زدگی... آدم‌های جدید، محیط جدید،



دوست‌های جدید، درس‌های جدید، استاد‌های جدید، همه‌شان مثل علامت سوال‌هایی بودند که توی مغزم رژه می‌رفتند. ناراحت از دل‌کندن از دبیرستان و آدم‌هایش و خوشحال از وارد شدن به محیط آزادتری مثل دانشگاه و روبه‌رو شدن با دانشجویایی به نام هم‌دانشکده‌ای!

با هزار امید و آرزو این رشته را قبول شده بودم. بین آدم‌هایی که بعضی‌شان بیشتر از من عاشق رشته‌مان بودند و بعضی هم بالاچار این انتخاب را کرده بودند، سر خوردم وسط دانشکده‌ای که حالا خاطرات یک‌ساله‌ام گره خورده با آن. شاید برای منی که خوابگاهی بودم همه چیز یک جور دیگری جدید و ترسناک به نظر می‌رسید.

همان اوایل، سایت دانشکده برایم شکل یک سیاه‌چالهی مخوفی بود که از ورود به آن می‌ترسیدم. پر از قیافه‌های غریبه بود که هیچ کدامشان را نمی‌شناختم. به زور دو سه نفر را! و از دیدن قیافه‌هایی که به چشمم آشنا بودند ذوق می‌کردم! ولی این دلیل خوبی برای وحشت‌نداشتن از آن غار ترسناک نبود! کم‌کم از مخوفیت آن سیاه‌چاله کم شد و تبدیل شد به دوست‌داشتنی من در آن دانشکده‌ی کوچک. جایی که می‌توانی همه‌ی دوستانت را «یهو» و «یک‌جا» ببینی، کنارشان بشینی، بخندی، فکر کنی، درس بخوانی، حرف بزنی، و گاهی هم از آن واقعا به عنوان سایت استفاده کنی! برای منی که به زور از دبیرستان کنده شده بودم و هل داده شدم در آغوش دانشگاه یافتن مکانی چنین دوستانه، حکم یافتن آب در کویر را داشت. و هنوز افسوس می‌خورم چرا انقدر دیر سیاه‌چالهی مخوفم و غار تاریکم تبدیل شد به «دوست‌داشتنی دانشکده‌ی کوچکم»... اگر یک بار دیگر دانشجوی ترم اول دانشکده‌ای می‌بودم، از همان بدو ورود همه جا را برای خودم «دوست‌داشتنی عزیزم» می‌کردم و سعی می‌کردم اصلاً به سیاه‌چاله و غار و تونل وحشت فکر هم نکنم!

به ورودی‌های جدید بگین:

تو سایت رو میز نشین...

سپهر صبور، ورودی ۹۲

شروع

محمد تکبیری، ورودی ۹۲

قبل از شروع!



روز ثبت نام می‌شه و با هزار جور امید می‌ای تو دانشگاه امیرکبیر دونه‌دونه دانشکده‌هارو رد می‌کنی می‌رسی به جدیدترین(!) و بزرگترین(!) دانشکده: دی. اون موقع است که انگار یه پارچ آب یخ ریختن رو سرت. ولی وقتی وارد می‌شی واقعا جو خوبی رو احساس می‌کنی، احساس می‌کنی زندگی جریان داره تو این دانشکده‌ی کوچولو... چیزی که تو خیلی از دانشکده‌ها نیست!

شروع!

ترم شروع می‌شه! چیزی که روزای اول ترمو قشنگ می‌کنه حضور بچه‌های ترم اولیه، که تشخیص‌شون هم از بقیه کار سختی نیست! دی. چون تو اون روزای اول واسه آدم یه ذره گنگه که دانشگاه چه جور جایه. بعضیا هنوز حس دبیرستانی بودن دارن (بعضا هم دبستانی: پی) بعضی‌ها هم فکر می‌کنن که دیگه احتیاجی به زحمت و تلاش نیست و با حس بی‌خیالی وارد می‌شن! که واقعا خطرناکه اگه همچین تصویری دارین!

یه ذره بعد از شروع! (این داستان: وارد سایت می‌شوید!)

روزای اول چند تا از کلاس‌ها رو رفتی و می‌خوای با دانشکده‌تون بیشتر آشنا شی! وقتی واردش می‌شی می‌بینی ۹۰٪ افراد دارن به یه سمت می‌رن... اونجا جایی نیست جز سایت دانشکده! وارد سایت می‌شی چند نفر جلو در وایساده می‌گن:

— آقا(خانم) شماره دانشجوییت چنده؟!

باتعجب می‌گی: «فلان ۹۳۳۱»

غالبا با افسوس این افراد مواجه می‌شی که می‌گن: «اینم بچم نبود!!» ولی بعد چند ثانیه می‌گن: «|| | این بچه‌ی فلانیه...»

حالا تو در اون لحظه واقعا: | یا شایدم: O هستی!

توی سایت یه سری آدم مبهوت می‌بینی که شک نکن ۹۳ ای هستن: دی و خجالت هم نکش که بری باهاشون ارتباط برقرار کنی چون اونا هم همین حس رو دارن.

بقیه‌ی افراد سایت هم حس می‌کنی که داره بهشون خوش می‌گذره. چه در حال درس خوندن و پروژه زدن باشن، چه در حالات دیگه (چون اول ترمه اینو می‌گما... وگرنه فکر نکنین سایت جای خوشگذرونیه‌ها... این فکرآ چیه می‌کنین آخه: دی)

یه ذره حرف جدی!

اول درسی: از نظر درسی، ترم عجیبیه ترم یک! شاید خیلی درس بخونین و نتونین به اون چیزایی که می‌خواین برسین شایدم درس نخونین و نتیجه قابل قبولی بگیرین...

اما چیزی که مهمه اینه که چه‌جوری درس‌خوندن رو تو این ترم یاد بگیرین. چه از تجربه‌های خودتون تو این ترم چه از تجربه‌های سال‌بالایی‌ها!

نکنه‌ی دیگه‌ای که مهمه اینه که اولویتتون با درسای دانشکده‌ای باشه و اونا رو خیلی جدی بگیرین! اصلا هم سعی نکنین به قول معروف سمبل کنین این درسا رو! مخصوصا مبانی کامپیوتر و برنامه نویسی پیشرفته که پایه‌ی این رشته هستن. به قول بچه‌های دانشکده سعی کنین «سم» باشین تو این درسا! البته جدی گرفتن این درسا معنی‌ش این نیست که بی‌خیال بقیه‌ی درسا بشین! تو دو ترم اول درسای ریاضی و فیزیک خیلی مهم‌اند. نه صرفا به خاطر اینکه کاربرد دارن و ممکنه به دردتون بخوره، به خاطر اینکه پیش‌نیاز خیلی از درسا هست و باید تو همون ترمای اول پاسشون کنین! خلاصه جوری بخونین که مجبور نشین آخر ترم دربه‌در دنبال استاد بگردین دیگه...

غیر درسی: خیلی کوتاه می‌گم دوستی‌های دانشگاه یه ذره فرق داره نوعش با دبیرستان، سعی کنین ماه‌های اول تو روابطتون با بچه‌ها اعتدال رو رعایت کنین که اگه اینطوری باشه قول می‌دم بهتون آخرش دوستای خوبی پیدا می‌کنین که حتی فکرشو هم نمی‌کردین. امیدوارم روزای خوبی رو کنار هم داشته باشیم... :

به ورودی‌های جدید بگین:

درس‌های ریاضی رو دست کم نگیرین و کتاب مرجع بخونین! از همون اول هم برین منابع درسی دانشگاه‌های بزرگ رو مرور کنین.

یوسف گلشاهی، ورودی ۸۹

به ورودی‌های جدید بگین:

دانشجو هستین، نه دانش‌آموز؛ منتظر نباشین استاد دانش بهتون بده، از استاد و دیگه منابع دانش بیرون بکشید!

بابک علی‌پور، ورودی ۸۹

اشتباهات رایج دانشجویی (نظرگاه یک استاد)^۱

منفی زیادی می‌شنوید. حرف‌های مثبت را بگیرید و حرف‌های منفی را از گوش دیگر بیرون کنید. منظورم از حرف‌های منفی «راهنمایی»هایی است که باعث سکون و بی‌حرکتی می‌شوند و حرف‌های مثبت سبب حرکت و کوشش بیشتر می‌شوند. «اندکی جنبش بکن همچون جنین / تا ببخشندت دو چشم نوربین / دوست دارد یار این آشفستگی / کوشش بیهوده به از خفتگی».

• توصیه‌های استادان معمولاً بر مبنای تجربه‌ی آنها و بر مبنای استانداردهای دانشگاه‌های دنیاست (مخصوصاً آن‌ها که خارج از کشور تحصیل کرده‌اند). اگر شما هم در خارج تحصیل دانشگاهی داشته باشید، متوجه خواهید شد که این توصیه‌ها و خواسته‌ها (که در ادامه بعضی از آنها را می‌بینید) نه تنها عملی‌اند بلکه در آنجا عادی و جزو کارهای روتین دانشجویان است.

۳. «دروسی را که تکلیف و پروژه ندارند، به امان خدا رها کن (یعنی خودش رها می‌شود) و هم‌همی وقت را به دروس تکلیف‌دار اختصاص بده.»

• سعی کنید برای این دروس، خودتان تکلیف مرتب و مهلت‌دار قرار دهید و سر وقت مهلت، تکلیف‌ها را خودتان به خودتان تحویل دهید. اگر خواستید، برای دیرکرد، خودتان را جریمه کنید (مثلاً خرید یک بستنی؛ اما چون تمرین‌ها را به خودتان تحویل می‌دهید، بستنی را هم باید برای خودتان بخرید). در واقع فرق اصلی «دانشجو» با «دانش‌آموز» همین است که به دانش‌آموز دانش را می‌آموزند، برایش برنامه‌ریزی می‌کنند و او را تا هدف پیش می‌برند؛ اما دانشجو خودش دانش را می‌جوید، خودش برای خودش برنامه‌ریزی می‌کند و به سمت هدف می‌رود.

۴. «کتاب مرجع درس، یک کالای لوکس است که استاد در ابتدای ترم، برای رفع تکلیف، نام آن‌ها را می‌برد و دیگر هیچ‌کس با آنها کاری ندارد. فقط جزوه را بخوان و سوالات امتحان‌های قبلی را حل کن. دیگر کارت درست است.»

• مولانا در جای‌جای مثنوی دو نوع عقل را مقایسه می‌کند. «عقل کلی» را می‌ستاید و «عقل جزوی» را به شدت نکوهش می‌کند. (عقل جزوی همچو برق است و درخشش / از درخشش کی توان شد سوی و خش). به گمان من منظور مولانا از عقل جزوی، «عقل جزوه‌ای» بوده است. واقعیت این است که جزوه و مطالب کلاس فقط نقاط و خطوط کمابیش مبهمی را از تصویر کلی درس نمایان می‌کند. تصویر کلی را با خواندن یک کتاب یا بخش‌هایی از چند

فهرست اشتباهات رایج دانشجویان که در زیر می‌آید، حاصل تجربه‌ی تعامل با بیش از پانزده دوره ورودی‌های دوره‌ی کارشناسی است. پس آن‌ها را دقیق بخوانید و در پایان نیم‌سال اول، یک بار آنها را مجدداً مرور کنید تا ببینید چندتا از آنها دامن‌گیر شما هم شده است.

۱. «بیشتر از یک سال است شبانه‌روز دارم درس می‌خوانم. هر چه بود دیگر تمام شد و به آرزویم رسیدم. حالا وقت ریلکسی است.»

• دانشگاه، دانشگاه است و تلاشی مضاعف را می‌طلبد؛ تلاشی که محور آن خود دانشجو است و نه مدرس. معمولاً استادان دانشجو را مجبور به درس‌خواندن نمی‌کنند و درس نمی‌پرسند. پس اگر دانشجو بی‌خیال شود، دم امتحان بیدار می‌شود (آن هم، شاید).

۲. «همه‌ی توصیه‌های دانشجویان سال بالایی (چه موفق، چه ناموفق) را به گوش جان بشنو؛ بالاخره هر چه باشد آنها بیشتر تجربه دارند. توصیه‌های استادها آرمان‌گرایانه است و عملی نیست.»

• رسم خوبی در دانشکده‌ی ما هست که دانشجویان سال بالاتر با شماره دانشجویی مشابه، راهنمایی دانشجویان جدید را بر عهده می‌گیرند و معمولاً راهنمایی‌های خوبی هم می‌کنند. مثلاً کجا می‌توانند مطالعه کنند، چه طور از غذای سلف استفاده نکنند، یعقوب کیست، مسابقه‌ی هیجان‌انگیز انتخاب واحد چیست و روز ثبت نام (و شب ثبت نام) چه باید کرد و حتی توصیه‌های آموزشی مثبت و مفیدی مانند اینکه در درس فلان اگر خوب مهارت پیدا نکنی تا آخر تحصیل مشکل خواهی داشت و یا درس بهمان مستقیماً برای بازار کار مفید است و... ولی گاهی، به‌خصوص در موارد آموزشی، اطلاعاتی داده می‌شود که درست نیست و باعث بیراهه می‌شود. مثلاً «دکتر فلانی حاضر غایب نمی‌کند و می‌توان از وقت کلاسش برای امور مهم استفاده کرد» یا «این قسمت‌های درس مهم نیستند و در امتحان از آنجا سوال نمی‌آید» (نمی‌دانم بعضی استادها چه طوری این توصیه را متوجه می‌شوند و دقیقاً فن بدل آن را می‌زنند)، یا موارد متعدد دیگر که اگر بخواهیم آن‌ها را لیست کنیم، چند شماره‌ی پویش را لازم دارد. به طور کلی، در طول تحصیل‌تان، حرف‌های مثبت و

^۱ این متن به درخواست نویسنده بدون نام منتشر می‌شود.

کتاب (که همان مطالب را با جزئیات بیان می‌کنند) و نیز حل تمرین‌های اضافی باید درک کرد.

• ما می‌دانیم که در کلاس‌های کنکور به شما یاد داده‌اند که چگونه بر مبنای تست‌های سال‌های قبل خودتان را برای کنکور آماده کنید. ما به این می‌گوییم «آموزش بر مبنای آزمون». اگر چه ممکن است این روش برای قبولی در کنکور موثر باشد، اما تجربه نشان داده‌است که این شیوه در دانشگاه نتایج درخشانی ندارد. شیوه صحیح یادگیری و ارزیابی در دانشگاه «آزمون بر مبنای آموزش» است. پس ابتدا مطالب را به صورت عمیق و مفهومی یاد بگیرید، بعد برای ارزیابی میزان یادگیری‌تان و یافتن نقطه ضعف‌هایتان بروید سراغ آزمون‌های سال‌های قبل.

۵. «مطالب دروس ریاضی و فیزیک تقریباً همان‌هاست که در دبیرستان خواندید و به راحتی می‌توانیم نمره‌ی خوبی از آنها بگیریم.»

• عناوین بسیاری از بخش‌ها همان‌هاست اما در دانشگاه، استاد انتظار درک خیلی عمیق از مفاهیم آنها را دارد، به گونه‌ای که... (خودتان در اولین امتحان متوجه خواهید شد).

۶. «تا شب امتحان از روی جزوه بخوانید و مسائل را از رو بخوانید و بفهمید (اگر هم نفهمید، حفظ کنید). یک روز مانده به امتحان، سوال‌های سال‌های قبل را بگیرید و حل کنید (و آنها را هم حفظ کنید).»

• بله، آن وقت یا شب امتحان یا در روز امتحان می‌بینید نمی‌توانید آنها را حل کنید و استرس می‌گیرید. حتی اگر هم توانستید آنها را حل کنید، اصلاً معنایش این نیست که مشکلی ندارید. به طور کلی، نمونه سوال می‌تواند گمراه‌کننده و محدودکننده ذهن باشد و ناخودآگاه باعث تمرکز یا حفظ کردن مباحث محدودی از درس می‌شود. راهش این است: در طول ترم مثال‌ها و مسائل گوناگونی را حل کنید و همین‌طور در فرجه‌ی امتحان، تا مهارت لازم را کسب کنید (همان‌طور که برای کنکور، گاج و قلمچی و... را می‌جویدید و می‌بلعیدید، به این زودی یادتان رفت؟).

۷. «اگر مطلبی را خواندید و متوجه نشدید، عیبی ندارد؛ احتمالاً از اینجا سوال نمی‌آید. مثل کنکور، چون وقت ندارید همه‌ی مطالب را بفهمید، کلاً مطالب غیرمهم (تشخیص مطالب غیرمهم با خودتان است) را کنار بگذارید.»

• این باعث غافل‌گیری دانشجو در جلسه‌ی امتحان می‌شود. سعی کنید هیچ مطلب نامفهومی باقی نماند، حتی به قیمت بالا رفتن مکرر چهار طبقه و سوال از استاد.

۸. «درسی را که یک بار افتادید و مجبور شدید دوباره بگیرید، لازم نیست روی آن زیاد وقت بگذارید، چون یک بار آن را خوانده‌اید و لازم نیست کلاس بروید، چون یک بار رفته‌اید. در فرجه‌ی امتحان، یک بار از روی آن بخوانید و بار دیگر شانس خود را امتحان کنید و آرزو کنید این بار سوال‌ها آسان یا مانند بار قبل باشند.»

• خوب، همین است که در اطرافتان افرادی را می‌بینید که یک درس را چند بار می‌گیرند و باز می‌افتند. اگر درسی را یک بار افتادید، بپذیرید که آن را خوب نفهمیده‌اید یا مهارت لازم را کسب نکرده‌اید. سعی کنید با آن مانند یک درس جدید رفتار کنید و با کسب تجربه از بار قبل، روش درست و متفاوتی را در پیش بگیرید.

۹. «تکلیف‌ها را لازم نیست دقیق حل کنید. یک چیزی همین جوری تحویل بدهید یا کُپ بزنید. هیچ کس نیست که این همه ورقه را تصحیح کند.»

• اولاً تدریس‌یارهای بیکاری وجود دارند که همه‌ی برگه‌ها را تصحیح می‌کنند و بعضی حتی به عشق کشف کپی، به طور دقیق بررسی و مقایسه می‌کنند. ثانیاً فرض کنیم کسی آنها را نمی‌خواند؛ مگر قرار نیست این تکلیف‌ها شما را با مفاهیم درس آشنا کنند و آنها را برای شما خوب جا بیندازند؟

۱۰. «برای دروسی که ماهیت حل مسئله دارند، کتاب solution manual (حل‌المسائل) کتاب درسی را از اینترنت یا از دوستی بگیرید و مسئله‌ها را با حل‌شان بخوانید و سعی کنید آنها را بفهمید؛ دیگر کارتان درست است.»

• با خواندن حل مسئله‌ها اتفاق جدی‌ای نمی‌افتد و مهارت حل مسئله در انسان ایجاد نمی‌شود. ذهن باید درگیر مسئله شود و چند بار به بن‌بست بخورد تا راه بیرون رفتن از این‌گونه بن‌بست‌ها را خود یاد بگیرد. یکی از راه‌هایی که این روند را آسان‌تر می‌کند (ولی همیشه در دسترس نیست)، شروع از مسائل آسان و رفتن تدریجی به سمت مسائل سخت است. بعضی از کتاب‌های درسی ترتیب تمرین‌های آخر فصل‌ها را به این صورت می‌چینند. شاید از استاد درس یا تدریس‌یار هم بتوانید برای این موضوع کمک بگیرید.

۱۱. «تقلب در سر امتحان می‌تواند بسیار...»

• نه، این در دانشکده‌ی ما رایج نیست.

- بهبود و نوسازی آزمایشگاه‌های دانشکده
- خودداری دانشگاه از پذیرش میهمان در خوابگاه ورودی‌های جدید برای اولین بار

۹۰-۹۱:

- تشکیل رسمی پژوهشکده‌ی روباتیک دانشجویی (تیم‌های روباتیک دانشگاه) به ریاست دکتر شیرینی، از اساتید دانشکده کامپیوتر
- برگزاری مراسم ورودی‌های جدید توسط شورای صنفی
- مرگ ناگوار آمنه زنگنه، دانشجوی ارشد دانشکده‌ی پلیمر، در خوابگاه و اعتراض دانشجویان به وضعیت بد خوابگاه‌ها
- جداسازی کلاس‌های دختران و پسران (آزمایشگاه‌ها، دروس سرویس و دروس عمومی)
- جلوگیری از حضور تشکل‌ها در ثبت نام و برگزاری آن در کتابخانه‌ی مرکزی
- حذف فیزیکی (!) سرویس اینترنت در خوابگاه ورودی‌های جدید برای اولین بار
- یازدهمین دوره‌ی مسابقات ACM (انجمن علمی)
- مراسم انارخوران شب یلدا (شورای صنفی)
- مراسم روز معلم (شورای صنفی)
- کسب رتبه‌ی اول المپیاد دانشجویی کشوری توسط آقای مهران کاظمی
- کسب مقام دوم تیم S.O.S در لیگ شبیه‌سازی امداد هفتمین دوره‌ی مسابقات بین‌المللی ربوکاپ آزاد ایران- IranOpen 2012
- کسب مقام سوم تیم S.O.S در لیگ شبیه‌سازی امداد شانزدهمین دوره‌ی مسابقات جهانی ربوکاپ - RoboCup 2012 Mexico
- چهارمین دوره‌ی جشنواره‌ی لینوکس (انجمن علمی)

۹۱-۹۲:

- تصمیم مسئولین دانشکده بر تغییر شیوه‌ی برگزاری مراسم معارفه‌ی ورودی‌های جدید و عدم حضور شورای صنفی در جشن ورودی‌ها
- نصب RFID به روی درب‌های کلاس‌های دانشکده و عدم امکان استفاده از کلاس‌ها در ساعات غیرآموزشی
- دوازدهمین دوره‌ی مسابقات ACM (انجمن علمی)

سال‌هاست این مطالب را دسته‌گریخته به دانشجویان می‌گوییم. امیدوارم این بار که مکتوب می‌شود و دانشجویان بیشتری آن‌ها را می‌بینند، اوضاع بهتر شود و شاهد تعداد بسیار کمتری از دانشجویان ناموفق باشیم.

آنچه سال‌بالایی‌ها دیده‌اند

۸۹-۹۰:

- بهره‌برداری از ابررایانه‌ی ملی امیرکبیر
- خودداری دانشگاه (بر اساس قوانین جدید وزارت علوم) از صدور مجوز برای اردوهای مختلط، حتی یک‌روزه و حتی علمی
- خودداری دانشگاه از صدور مجوز برگزاری برنامه‌ی معارفه برای ورودی‌های جدید
- برگزاری کنفرانس ملی و بین‌المللی آموزش الکترونیک (E-Learning) توسط دانشکده (با همکاری انجمن علمی و شورای صنفی)
- جلوگیری از ورود اعضای تشکل‌ها به دانشگاه در روز ثبت نام ورودی‌های جدید
- کسب مقام اول تیم‌های والیبال و فوتسال دختران دانشکده
- قهرمانی تیم والیبال پسران دانشکده
- خودداری دانشگاه از صدور مجوز برگزاری دوره‌های آموزشی توسط انجمن‌های علمی
- برگزاری سومین جشنواره‌ی لینوکس امیرکبیر (انجمن علمی)
- نصب شیشه بین میزهای سایت
- ایجاد سالن مطالعه‌ی خواهران و برادران
- دهمین دوره‌ی مسابقات ACM (انجمن علمی)
- کسب مقام اول توسط تیم PMP دانشکده در مسابقات ACM منطقه‌ی غرب آسیا
- انتقال دانشکده‌های صنایع و فیزیک به خارج از دانشگاه
- درخشش دانشجویان دانشکده در المپیاد کامپیوتر کشور
- برگزاری جشن عید قربان (شورای صنفی)
- برگزاری جشن روز معلم (شورای صنفی)
- کاهش سرعت اینترنت دانشجویان کارشناسی

- حضور کارمندی به عنوان مسئول برقراری نظم (!) در سایت
- کسب عنوان برترین انجمن علمی دانشجویی دانشگاه
- کسب رتبه‌ی پنجم مسابقات ACM منطقه‌ای غرب آسیا توسط تیم AUT Safe Men و عدم اعزام تیم به فینال مسابقات جهانی به علت برخی ناهماهنگی‌ها
- قرارگیری دانشکده در لیست ۱۵۰ دانشکده‌ی برتر کامپیوتر جهان در رتبه‌بندی شانگهای
- ادامه مشکل نشت فاضلاب از سقف انجمن علمی و شورای صنفی
- مسابقات ایده پردازی و برنامه نویسی اندروید- ایران موبی‌کد ۲۰۱۴ - توسط انجمن علمی
- کاشت نهال خرمالو به مناسبت ۲۵ امین سالگرد تاسیس دانشکده توسط دانشجویان و اساتید
- برگزاری جشنواره‌ی خیریه‌ی نوروز توسط تشکل‌های دانشجویی در محن دانشگاه
- کسب مقام قهرمانی تیم S.O.S در لیگ شبیه‌سازی امداد نهمین دوره‌ی مسابقات ربوکاپ آزاد ایران - IranOpen 2014
- حضور برخی کاندیداهای یازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری در دانشگاه
- جشن ۲۵ سالگی دانشکده و گردهمایی فارغ‌التحصیلان (شورای صنفی)
- برگزاری اولین دوره‌ی لیگ برنامه نویسی ACM (مخصوص ورودی‌های جدید)
- کنسرت گروه موسیقی چارتار (شورای صنفی با همکاری کانون موسیقی دانشگاه)
- ششمین دوره‌ی جشنواره‌ی لینوکس امیرکبیر (انجمن علمی)
- کسب مقام قهرمانی تیم S.O.S در لیگ شبیه‌سازی امداد هجدهمین دوره‌ی مسابقات جهانی ربوکاپ - RoboCup 2014 Brazil
- کسب رتبه‌ی دهم المپیاد دانشجویی کشوری توسط آقای آرش یادگاری

- اعتراض دانشجویان به سرعت پایین اینترنت دانشجویان کارشناسی
- اولین کارگاه ملی رایانش ابری (انجمن علمی)
- کسب مقام اول رقابت فنی و رتبه‌ی سوم در لیگ شبیه‌سازی امداد هشتمین دوره‌ی مسابقات بین‌المللی ربوکاپ آزاد ایران - IranOpen 2013 توسط تیم S.O.S دانشکده
- مراسم روز معلم (شورای صنفی)
- اولین دوره‌ی مسابقات هوش مصنوعی امیرکبیر - AAIC 2013
- مراسم انارخوران شب یلدا (شورای صنفی)
- اولین دوره‌ی جشنواره‌ی ساخت بازی‌های رایانه‌ای امیرکبیر AUT Game Festival (انجمن علمی)
- اولین دوره‌ی مسابقات عامل‌های هوشمند امیرکبیر (انجمن علمی)
- پنجمین دوره‌ی جشنواره‌ی لینوکس امیرکبیر (انجمن علمی)
- کسب مقام دوم تیم S.O.S در لیگ شبیه‌سازی امداد هفدهمین دوره‌ی مسابقات جهانی ربوکاپ - RoboCup 2013 Netherlands
- مراسم افطاری (شورای صنفی)

۹۳-۹۲:

- برگزاری مراسم ورودی توسط شورای صنفی، انجمن علمی و فانوس
- خرابی لوله‌کشی طبقه‌ی اول دانشکده و آب‌ریزش سقفی دفتر انجمن علمی و شورای صنفی
- انتخاب پویش به عنوان بهترین ویژه‌نامه‌ی ورودی‌های جدید
- مراسم عید قربان (شورای صنفی)
- دومین دوره‌ی مسابقات هوش مصنوعی امیرکبیر - AAIC 2014 (با همکاری انجمن علمی)
- سیزدهمین دوره‌ی مسابقات ACM انتخابی منطقه غرب آسیا (انجمن علمی)
- بازارچه‌ی خیریه به نفع کودکان کار در ایام محرم (شورای صنفی)
- مراسم انارخوران شب یلدا (شورای صنفی)
- ازسرگیری چاپ نشریه‌ی پویش

به ورودی‌های جدید بگین:

یادتون نره چرا و چگونه اومدید امیرکبیر.

محمد بهبویی، ورودی ۹۰



دانشگاه صنعتی امیرکبیر



دانشکده مهندسی کامپیوتر
و فناوری اطلاعات



شورای صنفی دانشکده مهندسی
کامپیوتر و فناوری اطلاعات